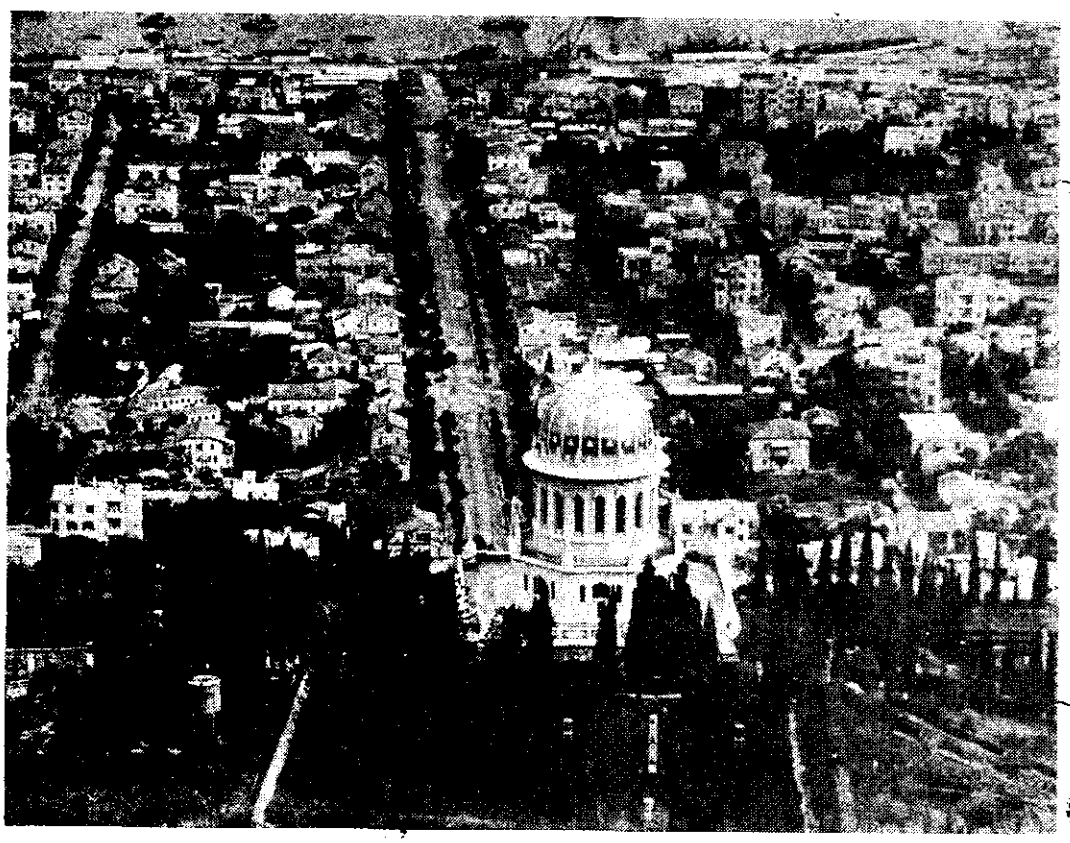

آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

شماره دوازدهم سال پانزدهم | شهرالملک شهرالعلا ۱۱۷ - استقتاء ۱۳۳۹ | شماره مسلسل ۱۶۹

فهرست مطالب — صفحه

۱ ــ لـــوح	۳۷۲
۲ ــ سر مقالـــه (ای باز هوای محبت الله)	۳۷۳
۳ ــ ورقی از دفتر هجرت (از شاهرود تا پروجیا)	۳۷۷
٤ ــ بیوگرافی پرفســـور فوول (۲)	۳۷۸
٥ ــ بیانات ایادی امرالله جناب بنانی در کامپالا	۳۸۱
٦ ــ شهـــادت	۳۸۳
۷ ــ آفتـــاب سیـــاه (۲)	۳۸٤
۸ ــ بیاد روز فیـــروز ... (شعر از سهیل سمندری)	۳۹۰
۹ ــ عشق تـــو (شعر از استاد سلطانی)	۳۹۱
۱۰ ــ بیانات جناب احمد یزدانی در کامپـالا	۳۹۲
۱۱ ــ اقامـــه نماز	۳۹٤
۱۲ ــ بیانات متصاعد الی الله جناب طوبی در نایـــروبی	۳۹٥
۱۳ ــ ورزش چیست ؟ ...	۳۹٦
۱٤ ــ آهنگ بدیع و خوانندگان	۳۹۹
۱٥ ــ فهرست مندرجات آهنگ بدیع سال ۱۳۳۹	٤۰۰

يا بديع كن في النعمة منفقاً وفي فقدها شاكراً وفي الحقوق اميناً وفي الوجه طلقاً

وللفقراء كنزاً وللأغنياء ناصحاً وللمنادي مجيباً وفي الوعد وفياً وفي الأمور

منصفاً وفي الجمع صامتاً وفي القضاء عادلاً وللانسان خاضعاً وفي الظلمة سراجاً

وللهموم فرجاً وللظمآن بحراً وللمكروب ملجأً وللمظلوم ناصراً وعضداً وظهراً

وفي الأعمال متقياً وللغريب وطناً وللمريض شفاءً وللمستجير حصناً وللضرير بصراً

ولمن ضل صراطاً ولوجه الصدق جمالاً ولهيكل الأمانة طرازاً ولبيت الاخلاق عرشاً

ولجسد العالم روحاً ولجنود العدل رايةً ولافق الخير نوراً وللأرض الطيبة زاداً

ولبحر العلم فلكاً ولسماء الكرم نجماً ولرأس الحكمة اكليلاً ولجبين الدهر بياضاً

ولشجر الخشوع ثمراً فأسئل الله أن يحفظك من حرارة الحقد وصبارة البردائة قريب مجيب

« حضرت بهاء الله »

جمال قدم جلّ ذکره الأعظم میفرمایند :

آنچه فی الحقیقه سبب تربیت و علّت ترقّی ناس بوده و لم یزل و لایزال از قلم اعلی جاری ولکن اکثری از آن غافل بوده و هستند و از گلزار معانی که مایه ترتیب و اعتدال است دماغ عالم قسمتی نبرده و حال بالفاظیکه سبب ابتلا و هرج و مرج و تنگی عالمست بآن ناطق و بآن افتخار مینمایند . اگرچه وجه عالم در این ایّام بر بی باکی و بی پروائی و بی مذهبی است ولکن عنقریب ابصار حدیده و اذن واعیه در عالم ملک ظاهر خواهد شد و بساط مبسوطه منطوی خواهد گشت کما طُوی مِن قبل . الفاظی ما بین ناس در ممالک اجنبیّه و غیرها مذکور میشود و جمیع از عالم و جاهل بآن تکلّم مینمایند و جمیع هم دارائی آن مقامات مدّعی از جمله لفظ تمدّن و حرّیت و انسانیّت و وداد و اتحاد و مواسات و آزادی و برابری و شرح و بسط طویل و عریض در ذکر آن الفاظ و تفاسیر آن در جرائد عالم مذکور در این مقام لسان صدق را سزاوار است که باین کلمه ناطق شود فآتوا بعملٍ اِن انتم مِن الصّادقین آنچه الیوم ملاحظه میشود اینست که سدره را که ظهورات انسانیّت و فوق آن در ظلّ آن مذکور اگر بدست قوم افتد البتّه قطع نمایند و بسوزانند از حق جلّ و عز طلوع نیّر انصاف را از آفاق قلوب ناس مسئلت مینمائیم که شاید بحق ناطق شوند و بحق عامل گردند

ای بازهوای محبت‌الله وقت پرواز است

از تبریز: عبدالمیثاق قدیریان

در دنیائیکه ما امروز زندگی میکنیم بشریت بمثابه دریائیکه آرامش و صفای خود را از دست داده باشد دچار طوفانی سهمگین گشته. طوفانی از امواج هراس انگیز تشویش واضطراب بینونت و نفاق که افق امید و آسایش جهانیان را تیره وتار و فکر و ضمیر بشر را مشوش وهراسان ساخته طوفانی عالمگیر که اساس تمدن سراسر مادی کنونی را متزلزل و لزوم یك تحول جدیدی که عرصه حیات بشر را روشن واورا درحریم حمایت خویش قرار دهد اعلام میدارد. از جهت دیگر ابرهای گوناگون تعصبات آسمان افکار را پوشانیده وچون حجابهائی تیره مقابل ابصار بشر را فراگرفته ومانع از آنندکه "جمال یار بی ستر و حجاب بینند" و ازبرتو رویش حیاتی جدید یابند ــ از اینها گذشته بشر امروز در نتیجه تمدن پر طمطراق عصر حاضر خودرا درچهارچوبی از زندگی بیروح ماشینی محبوس ساخته واعصابش بکلی فرسوده و خسته شده است.

بشریت چون کاروانی ره گم کرده ونابسامان درمیان طلایع و بدایع پر زرق وبرق جهان فعلی مستاصل وسرگردان مانده است بشری که در تمام ادوار تاریخ نهایت آمال وآرزویش این بود که روزی بتواند در سایه اختراعات و اکتشافات جدیده و درپناه توسعه روز افزون تمدن موانع و مشکلات حیات را از پیش پای خویش بر داشته در یك محیط مرفه و آزاد وپرنشاط زندگی کند. حال همین بشردرآغوش چنین تمدنی در (سکرات موت) بسر میبرد ــ آری بشر عصر ما بیش از آنکه یك موجود سعادتمند وآزادی باشد در ورای میله های تمدن فعلی یك زندانی محض بنظر میرسد و بیش از همه وقت قابل ترحم است و باید روح جدیدی بکالبد او دمیدو اورا بدنیای نوینی که آرامش جسم و روانش را تامین سازد رهبری نمود ــ آری در اینچنین دنیائی پایه های عشق ومحبت که اصیل ترین خصائص فطری بشر است سست ولرزان گشته و اصول و مبانی صحیح اخلاقی و دینی تخدیش و تضعیف شده است و بجای آن موجی از خشم وعصیان وخود خواهی ولذت طلبی در سراسر جهان گسترش یافته است ــ بشریت در ورطه یك ورشکستگی وسقوط عظیم اخلاقی و تدنی وتنزل عمیق تربیتی قرار گرفته وهر لحظه بیم آن میرود که

شعله های جانکاه حرص و طمع ماده پرستی و متفرعات آن زبانه کشیده دنیائی رابکام آتشین خود فرو کشد و عالمی را بخاکستر کشاند .

جز اهل بهاء وراکبین سفینه حمراء کوئی احدی را در این طوفان مهیب و پر ابتلائ که امروز دامنگیر بشر شده امید آرامش و بقاء نبوده و نیست چه مناسب وبر معنی است این بیان مبارك حضرت ولی عزیز امرالله ارواحنا فداه که در کیفیت حال این جهان بیمارمیفرمایند :

((خوف و هراس قائدین عالم را معذب ساخته واقدامات سیاسیون حیرت زده وبی بصر را عقیم وبلا اثر گذاشته است ملل عالم با یکدیگر درنهایت ضغینه و عدوان واز هم خائف وهراسان ـ مطامحشان عاری از حقیقت و اهدافشان در نهایت سخافت ـ فی الحقیقه هرج و مرج و فساد وعدم ایمان اساس تمدن متزعزع عالم را بصوب فنا و نیستی سوق میدهد . آیا این فساد مستمر که خفیادر جمیع شئون افکار و اعمال بشری رخنه میکند با ارتفاع ید قدرت حضرت بهاء الله قرین نیست ؟ آیا حوادث خطیره بیست سال اخیر که سبب انقلاب اقالیم ارض گشته در حالیکه سکرات موت تمدنی را اعلان میکند که در شرف تلاشی واضمحلال است دلالت بر درد زه نظم بدیعی ندارد که سفینه نجات بشری است و ناگزیر برخرابه های عالم مستقر خواهد شد .)) انتهی

آری طبق این بیانات مولای توانا علائم و آثار یك تزلزل وفتور عظیم در اساس جمیع انظمه عالم آشکار گشته ـ جمیع این بحرانها وانحطاطات جمیع این انقلابات و انحرافات دال بر آنند که زیر بنای پوسیده انظمه سالفه دیگر قادر به حفظ تعادل و نگهداری بناهای سنگین و کهنه روی خود نیستند و ناگزیر باید متلاشی شوند تا شالوده یك نظم بدیع و محکم ومتین که ضامن صلح و سعادت جمیع بشر باشد بر خرابه های آن نهاده گردد ـ دنیای امروز منتظر ونگران است و منتظر قوه قاهره لا یزالی است که برافکار بشری که بتمام وسائل برای نابودی و اضمحلال نسل حاضر متشبث میشود تفوق حاصل کرده و بشر مضطرب و مایوس را از غرقاب فلاکت و فنا نجات داده وبشاهراه حقیقت وبقاء دلالت کند این قوه عظیمه امروز موجود وبنا به اراده الهیه در بین بشر انگیخته شده است این قوه مهیمن وعظیم همانا نیروی حیات بخش تعالیم ودستورات حضرت بهاء الله است که تنها وسیله علاج آلام و اسقام این دنیای محتضر بشمار میرود و ما اهل بهاء بمنزله حامیان و منادیان این قوه باید شب و روز بکوشیم تا عالم بشریت را زنده نمائیم .

آنروز که پرتو امید بخش آفتاب مدنیت الهیه ضمیر جمیع اهل ارض را منور میسازد و عرشه کشتی حیات ملیون هابشر طوفانزده و مایوس را روشن کرده بساحل نجاتش رهنمون میگردد آن لحظه که تجلیات انوار این تعالیم الهیه در جمیع شئونات تمدن مادیه نفوذ کرده وبا آن توام وهماهنگ میشود بایدادعان و اعتراف نمود که یکی از مواعید دیرینه نهضت جهانی بهائی تحقق پذیرفته وعصر بلوغ عالم فرا رسیده است زیرا همانطور که درالواح و آثار مبارکه مصرح است (مدنیت مادیه جهان چون زجاجی است که هر قدردرنهایت ظرافت ولطافت و زیبائی باشد محتاج بسراج است زجاج بی سراج بی نور وبیفروغ است تاریك است ـ بی صفاست ـ همچون پیکری که روح نداشته باشد مرده است ـ بیروح است

حال بقدرت الهی دراین زجاج عظیم عالم انسانی سراجی بدیع خلق فرموده وبمیمنت این عصر نورانی خلقی جدید مبعوث داشته تا بقوه روح القدس قیام نمایند و جمیع زوایای تاریک این بسیط غبرا را روشن سازند و نور وفروغ این امر الهی را که ضامن سعادت نوع بشر است زینت بخش اقالیم شرق و غرب عالم نمایند . انتهی .))

مگر نه اینست که ما امروز در عصری زندگی میکنیم که موسوم به‌عصر تکوین وانتقال و مشهور بزمان تحول عالم و تقلیب ام بروح شریعه — سمحاء است؟ مگر نه اینست که دراین عصربایـد بر طبق نوایای مولا محبوب بنیان قصر مشیـد نظم بدیع الهی بدست مجاهدان دلیر رحمانی محکم گردد تا درآتیه نزدیکی طلایع عصر ذهبی دیانت بهائی بر فراز آن جلوه‌گر شود؟ ماهل بهاء بخصوص‌نسل جوان با توجه بوظائف — خطیره‌ایکه بما محول شده‌باید دردنیای امروز بیشتر احساس مسئولیت بنمائیم و بیقین بدانیم که مسئولیتهای ما بیش از آن‌است که بظاهر تصور میکنیم زیرا طبق نصوص‌مبارکه در این دور اعظم ما یقین داریم که‌عالم بشر تا بقوه کلمه‌الله منقلب نشود روی سعادت حقیقی را — نخواهد دید چه‌که بشهادت حضرت عبدالبهاء ارواحنافداه (الیوم قوه انقلاب شدیداست و اختلاف عظیم ممکن نیست که‌اهل عالم سکون و قرار یابند مگر بقوه‌ایکه محیط برعالم انسانی است)

بنا براین چرا ساکنیم چرا خاموشیم چرا باهتزاز درنمیآئیم ونعره یابهاء الابهی نمیزنیم و عالم بشر راازاین خواب سنگین‌بیدارنمیکنیم ؟ آری مادر برابراین دنیای پر آشوب وظیفه بس خطیری بعهده داریم زیرا مائیم منادیان اسم اعظم مائیم آن خلق جدیدی که‌باید در بین ملاء ارض ظاهر شویم ونجات غافلان وگمگشتگان بشتابیم مائیم که‌باید روح حیات را که تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله‌است در پیکر بشر بدمیم و او را زنده باسم اعظم نمائیم و این کار خود مستلزم همت و از خودگذشتگی بیشتری‌است که باید بروز دهیم و عالم را منقلب سازیم و ثابت نمائیم که ما از اخلاف دلیر ووارثان فداکار همان جانبازان بی نظیری هستیم که چهره — تاریخ امر را زینت بخشید د چه‌خوب است که ما جوانان همواره این گفتار ایادی ممتاز امرالله جناب هوراس هولی علیه‌رضوان‌الله را — بخاطر بسپاریم که میفرمودند : (امر بهائی محتاج جوانانی‌است که با روحی بیدار وهوشیار بر علیه هجوم و حمله تمدن مادی که عالم بشر بورطه هلاکت رسانیده‌قیام نمایند)

بسیاری از ماممکن‌است بعللی خودرا قادر یا احیانا لایق بقیام دراین سبیل وخدمت به وحدت عالم انسانی ندانیم غافل از اینکه‌حضرت بهاءالله چنان قوه وقدرت روح خدمت وابراز فعالیتی در کالبد پیروان خود دمیده‌که اگر همین نفوس بخواهند و بپاخیزند بر جمیع ارض غالب خواهند شد زیرا قلم اعلی باین بیان احلی ناطق : " والله الذی لا اله الا هو اگر — کسی بر نصرت امر ما قیام نماید خداوند اورا — مظفر ومنصور خواهد نمود ولو آنکه هزاران هزار نفس بمقاومت با او برخیزد اگر حب او زیاده — گردد خداوند اوررا بر جمیع قوای من فی السموات والارض غالب خواهد ساخت این چنین روح قدرت و اقتدار را درجمیع اقطار دمیدیم)

همین قوه الهی بودکه درجسم وجان — قهرمانان عصر رسولی دیانت بهائی دمیده شد و چنان آنها را منقلب و منجذب ساخت که ضعیفترین آنها بشجیعترین افراد مبدل شد بشانی‌که از هیبت تیغ و خنجر خون چکان شمشیر نهراسیدند وغرش توپ آنان را از وصال

بمحبوب منع ننمود بلکه مردانه بسوی جلاد شتافتند و لوله توپ را درآغوش کشیدند همچنین دراین عصر رحمانی قوای تائید است که مهاجرین فی سبیل‌الله را در اقصی نقاط عالم ظهیر و نصیر گردیده ومبلغین امر رادرصحنه تبلیغ و تبشیر واعلان کلمه الله همواره موفق وپیروز میدارد .

چه غم دیوار امت راکه دارد چون تویشتیبان
چه باك از موج بحرآنرا که باشد نوح کشتیبان

این یدقدرت وعنایت جمال اقدس ابهاست که همیشه پشت وپناه ماست وبرما سایه افکنده ودر هر امری مارا کمك ویاری میکند واین امطار تائیدات است که از سماء فضل پروردگار برما فرو میریزد .

یك نظر اجمالی باوراق تاریخ حیرت انگیز عصر رسولی که مشحون از جانبازی واز خود گذشتگی است بما میآموزد که چگونه (مشتی از مستضعفین عباد) بقوه کلمه الله و نیروی ارادهٔ وتصمیم قیام کردند ودرلوای مشیت الله گروهی عظیم از مردم را منقلب و مجذوب نموده حقیقت را شهره آفاق ساختند ــ آیا غیرازاین بود که بسیاری از آنها را درکوچه وبازارسنگسار وبعد شهیدو یا تبعیدو بیسر وسامان نمودند؟ آیا جمیع این شدائد وبلایا و ضرب وشتمها توانست اندکی در روحیه تزلزل ناپذیر آنها تاثیر نموده از اراده وتصمیم و عشق به محبوب باز دارد؟ حال نیز چنین است و از آنجائیکه بنا بر بیان مبارك حضرت ولی امرالله که میفرمایند (حوادث گذشته آئینه جلای حوادث آینده است) ماجوانان بهائی باید به تاسی از آن باسلان دلیرمردانه قیام نمائیم ودر اراده وتصمیم خود درراه تحقق نوایای مبارکه کوچکترین تردیدی بخود راه نداده و با روحی آکنده از عشق و ایمان و با صدائی رسا ندای رب الجنود را به بشر محنت زده اعلان نمائیم و مصداق بیان مبارك شویم که میفرمایند :

(ای باز هوای محبت الله وقت پرواز و کشف راز است هنگام عجز و نیاز است تا توانی همتی بنما و شهپری بگشا وصیدی بنما وشکاری بیفکن تا در ساعد شهریار ملکوت مقر یابی و در فضای دلگشای حی لا یموت سیر نمائی ...)

دیانت بهائی بزرگترین نوری‌است که از بعد از زمان حضرت مسیح تا کنون درعالم ظهور نموده شما بایدبسیار مواظب و مراقب باشید و هیچوقت نگذارید این نور از نظر شمامستور گردد از برای نسل حاضر بسیار زودو مشکل است که بتواند قوت وبهاء آنرا درك نماید فقط آتیه است که اهمیت وعظمت نور را ظاهر و عیان خواهد نمود .

دکتر بنیامین جاوت

ورقی از دفتر هجرت

از شاهرود تا پروجیا

بقلم ابادی امرالله

حوادث جانگداز شاهرود را متقدمین خوب بخاطر دارند ولی آنانکه امروز در ریعان شبابند نمی دانند مگر آنکه درشرح سوانح ایام خوانده باشند که درآن روزگار عده ای درسبیل امر حضرت رب مختار جام فدا نوشیدندو احدی یافت نشدکه بخونخواهی آنان قیام نماید .

درآن کارنه شرم آور رهبانی عزیز وخانواده محترمشان را سهمی عظیم ازفداکاری و جانبازی نصیب گردید زیرا بچشم خود جمیع حوادث را دیدند و لذات هجرت و خدمت را بصورت ظاهر وباطن چشیدند در بدر شدند بیخانه و لانه گشتند و تیغ جفای ستمکاران را بر گلوی دختر عزیز خود یافتند اثر آن تیغ چون گردنبندی هنوز از لئالی منشوره الهیه برگردن آن طفل مهربان نمایان است اشرار آنقدر آنان را زدند و کوفتند که دیگر رمقی از حیات درایشان نماند بخیال اینکه کارشان تمام است دست از سرآن عائله مکرمه برداشته رفتند .

آن روز گذشت وپس از چندی رهبانی واعضاء خانواده از بستر مرگ برخاستند و مجدد وارد میدان عمل و خدمت گشته هر گز نگفتند در بزم بلا ما را ازدست ساقی پیر عطا جامی بس هرگز احدی ازآنان

جناب ابوالقاسم فیضی

بر لب نیاورد که ما سهم خودرا انجام دادیم حال درگوشه خمول عزلت گزینیم خیر آنچه بچشم دیده و هر چه ازدست اعدا چشیده بودند آنانرا برای جولان در میادین جانفشانی جسورتر نمود آنی از طی طریق اجرای نوایای مولای قدیر باز نماندندو بالاخره با بدنی علیل وقلبی رنجور عازم دیار دور گشتند .

دوستان عزیز ایطالیا طرا از استقامت ووفا وثبات بی انتهای آنان درشگفتی‌اند از پدر دیگر بیش از آهی نمانده هنگامیکه او را به بیمارستان برای عمل زخم معده بردند هنوز اثر داروی بیهوشی رفع نشده بود که از امریکا خبر کشته شدن پسرشان را درحادثه‌ای برای آنان آوردند این مردخدا سجده تسلیم ورضا در برابر اراده قویه غالبه الهیه بجای آورده و جز ترانه شکر وثنا کلمه‌ای از لسان وی مسموع نیامد .

روزی که بزیارت روی دلجوی عزیزان پروجیا مشرف گشتم جمیع یاران بانهایت درجه علاقه و محبت در منزل رهبانی انجمنی آراسته این وجود عزیز در بستر بیماری و فقط دو حلقه چشم مملو از مهر و وفا درچهره وی نمایان بود گوئی استماع بشارات امریه و فتوحات روحانیه قارات خمسه جهان قوتی بدیع و نشاطی جدید درکالبد او ایراث نمود وبخوبی نشان می داد که هرچند جسم علیل و ناتوان مانده ولی قلب و روان درنهایت درجه قوت وقدرت و اهتزاز است خانم عزیز داغدیده او که تازه خبر در گذشت نور دیده خود را شنیده وشوهر محبوبش دو برابرش مریض وبستری بود چنان با روی تابان وقلبی مهربان از کلیه یاران پذیرائی میفرمود که گوئی خوشتر از این بزمی و بالاتر از این ایوانی برای خود تصور نمیفرمود .

جانم فدای احبابت

پروفسور آگوست فورل

مهندس عزت الله وحید

بقیه از شماره قبل

با توجه باینکه بعداز جنگ جهانی اول سوسیالیسم باشکلهای مختلف در سراسر اروپا و بسیاری از کشورهای آسیا و آمریکا انتشار یافت بیان بزرگترین استاد سوسیالیسم علمی که درعین حال در ردیف بزرگترین دانشمندان ثلث اول قرن بیستم است از نقطه نظر معرفی عظمت امر بهائی در نزد اجتماعیون دنیا (سوسیالیست ها) حائز توجه و امعان نظر است باید دانست که فورل مذهب اجتماعی را (سوسیالیست) بر مبنای علمی مخصوص تشریح کرده که با مذهب اجتماعی بحث شده ازطرف ژان ژورس و مارکس و لنین و سایرین تفاوت دارد فورل میگوید : افراد انسانی مانند سلولهائی جامعه انسان را تشکیل میدهند ملیونها سلول جمع میشوند و مغز را بوجود میآورند ملیونها سلولهای دیگر کبد را بوجود میآورند و همچنین باز ملیونها سلول قلب انسان را بوجود میآورند وهمچنین سایر ارکان بدن اجتماع بشری نیز چنین است درعین اینکه جهت متشابه در خلقت جمیع سلولها موجود است جهت تشابهی بین سلولهای کبد و قلب و غیره علاوه بر جهت عمومی خلقت سلولی موجود است و بازدر هر قسمت از مغز یا قلب یا کبد نیز جهتی عمومی برای سلولهای آنقسمت موجود است واین وضعیت درکوچکترین قسمتهای اعضاء بدن موجود میباشد پس توجه باین دوجهت (جهت خصوصی وجهت عمومی) سبب فهم شناختنن وسائل ادامه حیات هیکل انسان و مانند آن هیکل اجتماع بشری است هیکل اجتماع انسانی دارای جهت جامعه عمومی و جهات جامعه های خصوصی است و ارتباط جهات جامعه های خصوصی با جهت جامعه عمومی و روابط جهت های جامعه های خصوصی اساس قوانین اجتماع انسانی رابایستی بوجود آورد .

پرفسور فورل برای تفهیم حقایق اجتماعی مرتبا پیشوایان اجتماع را رهبری نموده ومطالب عالیه امر را بآنان تذکر میداد درتماس با کارگران و زحمت کشان نیز جدا بتشریح این حقایق مشغول بود . آلاچیق نه ستونی او که بر دریاچه لیمان ژنو مشرف بود روزهای یکشنبه مرکز تجمع دانشمندان وافراد خانواد برای تشریح حقایق امرالهی بود .

خانمش که بوسیله خود او تبلیغ شده بود درتمام اوقات مساعد ومعاون ومعاضدش درکارهای عالیه فورل بود حتی این مرد بزرگ در آخرین شب زندگیش در زیر آلاچیق باغبانها را بدیانت جهانی اجتماعی عالی بشری هدایت مینمود وپس از این جلسه در منزلش براحتی چشم از جهان بربست وبعالم بقاء شتافت وصیت نامه اودرحضور چندین هزار نفر از اساتید دانشگاههای اروپا و آمریکا و نقاط دیگر وعده از رجال سیاست وپیشوایان مسلک اجتماعی خوانده شد ودرآنجا در صفحه سیزده سطر هیجده این عبارت مندرج است .

"در ۱۹۲۰ بود که من بدیانت بهائی درشهر کارلز روحه آشنائی یافتم دیانت مافوق ملیتها و جهانی بهائی که در مشرق بوسیله یک

ایرانی بنام بهاء الله درهفتاد سال پیش تاسیس شده است این است دیانت حقیقی برای بهبود عالم اجتماع دیانتی اجتماعی وانسانی بدون خرافات و رسوم وکشیش که مردم روی کره زمین را با مبادی خود متحد میسازد ومن بهائی شدم واین دیانت زنده وپایدار در نمو و ترقی برای بهبود اجتماع موجود است این بود آرزوی عمر طولانی من که بدان رسیدم"

اگوست فورل از اساتید پسیکولوژی و پدیده شناسی که اشتباها روانشناسی نامیده شده است میباشد وچون دراین مکتب مسائل جنسی در راس شناسائی مطالب مربوط به پسیکولوژی قرار گرفته بود واستاد فورل عالی ترین مکتب را از نقطه نظر علمی وفن پزشگی مورد تحقیق قرارداده در اصول تعلیم وتربیت ومسائل پسیکولوژی اساتید این فن اقتباسات مهمی از استاد نموده ونظرات او را بعنوان فرضیه های علمی پسیکولوژی مورد استفاده وقبول قرارداد ماند بنا براین نوشته های فورل وایمان او راهنمای قابل توجهی برای هزاران استاد ومعلم این فن وعموم مردمی که اهمیت بمسائل پسیکولوژی میدهند میباشد فورل در اصل زندگی اجتماعی معتقد براین بود که هرفردی از افراد بشر بایستی بیك کارعملی مشغول باشد تا جهت عمومی تحرك سلولهای اجتماعی انجام پذیرد و خود فورل هر روز چند ساعتی بکارهای باغبانی میپرداخت خانم او در پشت دستگاه بافندگی پائی هر روز چند متری پارچه می بافت دختر او مارتا بامر باغبانی مانند پدر مبادرت میورزید با آنکه استادفورل از فامیل اعیان متمول سویس بود معذلك این طور کار را برای زندگی اجتماعی لازم میدانست افراد خانواده اش به تبعیت او بکارهای عمل مشغول بوده اند وقتی فورل در کتاب دکتر اسلمنت خواند که درامر بهائی کار عبادت است وبدان مقام تقدیس اعطاء فرموده اند در پوست نمی گنجید .

اگوست فورل در ضمن تحقیقات و مطالعات طولانی فن پزشکی بالاخص در دوران ریاست مریضخانه امراض دماغی Asile Albine de Surich (آزیل آلبینـد و زوریخ) دریافت که علل اکثر امراض دماغی و کسالتهای دماغی روحی و ناخوشیهای عصبی مربوط باستعمال مشروبات الکلی است وبالاخص این مشروبات در نسل بشری عوارض بدی بوجود آورده است .

فورل درتحقیق و تفحص مسائل اجتماعی بدین نتیجه رسید که خرابی های تشکیلات اجتماعی بشری بیشتر ارتباط مستقیم با مصرف مشروبات الکلی در هر محیط و اجتماعی دارد و حتی در بحث سوسیالیسم پیش از ایمان بامر این نظریه را اظهار نمودکه : مبارزه با کاپیتالیزم وقتی مفید نتیجه است که قبلا بر علیه سرمایه داری الکلی انجام شود و میگوید اگر مادراین مبارزه توفیق یابیم در اصل مبارزه با سرمایه داری توفیق حاصل کرده ایم .

وقتی فورل در کتاب اسلمنت منع مشروبات الکلی را مطالعه مینمود بدختر خود ودامادش تذکر داد که اصل انگلیسی این کتاب را بیاورند زیرا در ترجمه آلمانی مشروبات پرقوه نظیر (عرق ـ کنیاك ـ ویسکی وغیره) را ممنوع نموده است مشروبات ساده را ازقبیل آبجو و شراب مورد توجه قرار نداده است فورل گفته است حتما این ترجمه غلط است واصل بیان بهاء الله چیز دیگری است چون باصل مراجعه کردند نظر فورل تائید شد ومعلوم گردید که استعمال هر نوع مشروب الکلی بشدت در امر بهائی ممنوع شده و شاربیکه بترك آن حاضر نشود از حقوق اجتماعی بهائی محروم وبی نصیب است .

این نکته موضوع دوبی بود که بشدت فورل

را تکان داده وبسوی امرکشانید مسائل مربوط بحقوق اجتماعی انسانی تساوی حقوق عمومی اهمیت تعلیمات و مسائل دیگر مبادی بهائی فورل را مجذوب نمود .

اما موضوع اصلی که عقل وقلب اورا کاملا مجذوب ساخته و مومن بامر حضرت بهاء الله نمود در گرو جواب سوالات او بودکه‌از قلم‌حضرت عبدالبهاء نازل گردید .

البته مطالب متعدد دیگری از جمله موضوع علاج بوسائل غذائی و محدودیت استعمال گوشت و توصیه بخوراکهای میوه و سبزی و تعلیمات اجتماعی مربوط بوسائل بهبودی سلامت عمومی نیز جالب نظر فورل بوده است .

تا اینجا بیوگرافی فورل را با توجه باینکه دانشمندان زیادی شرح حال اورانگاشته و خود ایشان نیز شخصا ترجمه احوال خود را نوشته برای مزید اطلاع مراجعه بآن کتب را توصیه مینمائیم .

منظور اصلی از شرح حال و تذکره این استاد بزرگ این بود که جوانانی که درمکاتب دانش و علم مشغول تحصیل هستند یا آنانکه مقلدین مکاتب علمیه میباشند بخوبی دریابندکه چگونه افرادی از متبحر ترین علماء عصر حاضر با یك عمر تحقیق و تفحص در علوم و کشف مطالب بسیار مهم علمی ودقت در زندگی اجتماع و تخصص درشئون عمومی و تمعن در حکمت و فلسفه ورسیدن بمقام شامخ استادی درعلوم و فنون چگونه سیر این مراتب آنها را بآستان عبودیت وکسب حقائق امر کشیده است .

معلمین ومعلمات درس اخلاق بایستی در تراجم احوال اینگونه نفوس که‌عده قابل توجهی میباشندبر رسی نموده وبا اخذ حقائق سیر زندگی علمی وفنی وعملی وفلسفی و حکمتی این نفوس راهنمائی های شایسته ای برای نونهالان‌و اطفال و جوانان فراهم سازند .

مثلا زندگی دوران طفولیت استاد بزرگ اگوست فورل سر مشق خوبی برای اطفال درس اخلاق و سرگرمی‌آنها است زیرا اگوست‌فورل نه تنها در سنین بلوغ و پیری و کهولت سر مشق زندگی طلاب علوم و رهبران اجتماع و نیکوکاران جهان بوده است بلکه دوران کودکی او میتواند سرمشق بسیار نیکو وعالی برای اطفال باشد در سابق گفته شد که کتابچه هائی‌که در سن دوازده سالگی اگوست فورل راجع بحشرات نوشته است بهترین جزوات مورد استفاده دانشمندان سالخورده سپید موی میباشد ونباید فراموش کرد که بعداز صعود فورل هفت‌کامیون بزرگ کلکسیون مورچه های او را بموزه ژنو اعطاء نمودند وقسمت عمده مطالعات و بر رسیهای فورل در حشره شناسی در سنین پنج تا دوازده سالگی بوده است . انتهی

. . . ——— . . .

در یکی ازجلسات
کنفرانس در سالن دانشگاه
مارکریر درشهرکامبالا درمحضر حرم
مبارک حضرت روحیه خانم از جناب موسی
بنائی تقاضاشد برای حاضرین درجلسه
کنفرانس بیاناتی بفرمایند و ایشان نیز
بدون تامل مگر مکثهائی بخاطرترجمه
بلغات بوگی و بانگلیسی بیانات
زیر را ایراد
فرمودند

نطق حضرت ایادی امرالله
جناب موسی بنائی علیه بهاءالله

درسال ۱۹۵۲ موقعیکه اجازه تشرف داشتم فقط درسه نقطه این قاره بزرگ جمعیت بهائی بود و من از حضرت ولی امرالله تقاضای دعا کردم و در اثر دعای هیکل مبارک یکنفر دیگر تبلیغ شد موقع تشرف مشاهده نمودم که ولی محبوب ما بسیار شاد ومسرورند زیرا تلگرافا بحضورشان اطلاع داده بودندکه یکنفر دیگر تبلیغ شده حال تصور فرمائید آن یکنفر چه شخصی بوداو همان مستر اولینگای عزیز ماست که بمقام ایادی امرالله نائل شد .

احبای محیط ما تاآن روز عبارت بودند ازاین بنده وخانم ـ علی نخجوانی و خانم مستر فیلیپ هینزورت با سه نفر تازه تصدیق این عده جمعا ۸ نفرمیشد درحالیکه بایستی تا عید رضوان محفل روحانی محلی تشکیل میدادیم رجای بنده برای دعا ازاین جهت بود واینک با خبر تلگراف عده مابرای تشکیل محفل تکمیل شده بود . آیا میتوانید تصور فرمائید سرور مادر قبال سرور هیکل مبارک و آن ـ موفقیت تا چه میزان بود .

دراین موقع من از حضرت ولی امرالله تقاضای دیگر کردم وپرسیدم آیا اگر محفل روحانی تشکیل شود اجازه انتقال از این شهر بمحل دیگر را عنایت میفرمائید فرمودند خیر خیر جای شماهمین جاست باشیدو بمانیدتا من بشما اطلاع دهم وبعد اضافه فرمودند مطمئن باش این افریقائیها قلب پاك دارند میخواهم بمانید محافل بسیاری تشکیل دهید مشرق‌الاذکار بسازید حظیره القدس‌ها بنا کنید در کلیه فعالیتهای امری باید ناظر باشید .

این مطالب واین بیانات مبارك در سال ۱۹۵۲ یعنی یکسال قبل‌از نقشه دهساله بود و اما در سال ۱۹۵۳ که نقشه دهساله را طرح وابلاغ فرمودند بمن دستور دادند مشرق الاذکار را باید بسازید گواینکه در اصل نقشه فقط زمین مشرق الاذکار قرار بود ابتیاع گردد .

ملاحظه میفرمائیددر ۱۹۵۲ فقط دونفر مصدق محلی بودند ولی حضرت ولی

امرالله فرمودند حتم داشته باشید افریقائیها فوج فوج در ظل امر وارد خواهند شد .

یکسال بعد در فوریه ۱۹۵۳ یعنی حین انعقاد کنفرانس بین القارات تعداد احبای افریقائی به ۲۱۳ نفر بالغ شد و کثرت تعداد مهاجرین وتعداد مبلغین افریقائی بنحوی بودکه اراده مبارك براین تعلق گرفت که سه محفل ملی در سراسر افریقا تشکیل گردد که با محفل ملی موجود در مصر در قاره افریقاچهار محفل ملی در جنوب وغرب وشرق وشمال وجود داشته باشد . چنانکه احبای عزیز اطلاع دارند در نقشه دهساله حضرت ولی امرالله اشاره فرموده بودند درایران یك مشرق الاذکار بنا شود ولی بسبب پیش آمدها وانقلابات واتفاقاتی که درآن کشور رخ داد (اشاره بنطق های معاندین در رادیوو شهید شدن هفت نفر در اطراف یزد وغیره) این وظیفه روحانی بعهده احبای افریقا محول شد وفرمودند برای تسلی احبای رنج دیده ایران ام المعابد افریقا درقلب این قاره در کامپالا ساخته شود .

حال الحمدلله ساختمان این ام المعابد در اطراف این شهر پایان پذیرفت و امروزجشن افتتاح آن بااین عظمت وجلال در محیط بسیار روحانی و جالب انجام یافت ودر هنگام انجام تشریفات جشن همه حس میکردیم روح مقدس حضرت ولی امرالله از عالم بالا ناظر این عمل و این جشن پر شکوه ما هستند .

از روزیکه امر فرمودند وفعالیتها واهداف نقشه منجمله تشکیل محافل ملی ـ محافل محلی و تاسیس مشرق الاذکار ـ حظائرقدس را اعلام فرمودند تا حال ۹ سال تمام میگذرد . با توجه باین موفقیت ها وپیشرفتها ملاحظه میفرمائید حضرت ولی امرالله بچه سرعت و با چه استقامتی کارها را انجام میدادند این بایستی برای همه ما همه وقت سرمشق بشاشد بایستی پس از تصمیم عمل کرده آنهم با شدت و سرعت و درایت ما باید از خط مشی هیکل مبارك درس بگیریم امروز روز سرعت عمل است .

من بشما یك احصائیه تقریبی میدهم و توجه شما را باصل موضوع مقایسه جلب میکنم در قاره افریقا ۷۵ میلیون مسلمان است ۴۲ میلیون مسیحی و ۸۰ میلیون بت پرست ودرمقابل فعلا ۱۷۵۹۰ نفر بهائی این تعداد ما قابل نیست و اصلا قابل مقایسه نیست پس باید قیام کرد وتبلیغ نمود و ازاین تعدادی که مومن بامر بهائی داریم مسرور وراضی نباشیم با این میلیون میلیون نفوس تماس بگیریم و سعی کنیم تعداد بهائیان را ملیونها نمائیم .

اینست تذکرامروز من ـ بایدبدانیم چه مسئولیتی داریم وباید بدانیم وظائف را کی باید انجام دهد ـ باید بخدا متوکل باشیم ـ باید در اثراطاعت امر جمال مبارك تبلیغ کنیم باید همه ما ازسیاه وسفید باهم اقدام کنیم روی سخن با یك نژاد خاص یا یك طبقه خاص نیست و روزیکه همه همت گماشتیم و متحدا رو بهدف حرکت کردیم خواهیم دید همانطور که وعده فرمودند افریقائیان فوج فوج درظل امر وارد خواهند شد . انتهی

لجنهٔ جوانان بهـائـــی باترسـت ـ گامبیـا (افـریقیـا)

اولین مجمع جـوانان بهـائـــی دربـروجیـا (ایطـالیـا)

شهادت

در بازار شهر آدمیان ارزش میزان خلوص طلا را با محـــك شناسند ودر تاریخ دهـر قدر مؤمن بی ریا رااز بذل جان دانند از ملکوت آسمان دی ندای رسای " فتمنوا الموت ان کنتم صادقین" پیروان را بشهادتی سخت وشدید کشانده و زمانی ندای خوش " هر که صلیب خودرا برنداشته واز عقب من نیاید لایق من نباشـــد" یاران را برکرسی بشارتـی عظیم وبر امید می نشاند . میرزاقربانه لـی درویـش را قداره برسر زدند خطارفت ومولوی از سرمبارکش برخـاك سیاه افتـــاد درون سینه اش آتش حسرت زبانه کشید وبرجگـرش داغ هزاران آه نهاد فریاد برآورد :

خرم آن عاشق سرمست که بر پای حبیب
ســـر و دستار نداند که کدام انـدازد

با ضربتی خاموشش ساختند وشعله وفای دیگران رادامن زدند . میگفتند گناهکاراست لیك جز وفاداری و محبت بی شائبه به محبـــوب یگانه گناهی نداشت . زمانیکه حاجی ملااسماعیل حلقوم دردست دشمنان سپرد تابریدندقطره خون گرمی که بر دست جلاد نشســت لرزیـــدو برسنگهای سرد میدان افتاد صدای خفیفش در دنیای پیروان ادیان گذشته پیچیده جولانها نمود گویا قطره خونی بودکـه از قلب آن شهید صادق بخارج راه یافته وراز درونش را فاش میساخت:

منوچهر شعاعی

ای صبا از من باسماعیل قربانی بگـــــو
زنده برگشتن زکوی دوست رسم عشق نیست

و آنگاه ملائك با قلم ایمان بر صفحه آسمان نوشتند " عاشق صادق راحیات در وصالست و مـــوت در فراق" آری شهدای راه حق ومجاهدین واقعی سبیل الهی چون پروانگان شیدا شهد شهادت ازگل ایمان چشیدو بدینسان زهر تلخ شکنجه وآزار غافلین نادان را تریاق شفا شوند . یکـی از اصحاب قلعه شیخ طبرسی را بدیدار پسر خردسالش رحمن نوید دادند بامیدآنکه از دفاع دست کشـــدو و یاران را بدست فراموشی سپارد فریاد برآورد " بخاطر پسرم رحمن رضای رحمن حقیقی راازدست ندهـــم " و هنگامیکه با پای برهنه بقلعه میشتافت بزبان حال این بیت را ترنم مینمود :

من همانم که وضو ساختم از چشمه عشق چارتکبیرزدم یکسره برهر چه که هست

اینست سرانجام ثابتان بربیمان وآخرین برگ کتاب حیات ایشان تا مصداق آن شوندکه فرماید : " از صدهزار جان در گذرند وبکوی جانان شتابنـــد" ازجهان وجهانیان گسستند واز آلایش دنیا رستند . ازنام غیر بریدندو بکوی یار پریدند گردن در زنجیروپای در غل داشتند وآندم که درآخرین دقایق حیات خون پاکشان برخاك میجوشید ذرات وجودشان از ثبات واستقامتی بیمانند داستانهـــا

بقیه در صفحه ۳۹۷

آفتاب سیاه

بقیه از شماره قبل

— ٦ —

درمدرسه تسو هفت نفر مهاجر داوطلب افریقائی داشتیم که وقتی پیام مبارك واصل شد بلافاصله آمادگی خود شانرا برای هجرت اعلام داشتند و تصمیم گرفتند پس از خاتمه دوره کنفرانس به نقاط موردنظرعزیمت نمایند .

با یکنفر ازآنها به (انگورا) رفتیم که از آنجا با اتوبوس به شهر مقرر عزیمت نماید . از همه فامیل ودوستانش خدا حافظی کرده بود . شاخه کوچکی که پارچه سفیدی بسر آن بسته بود روی شانه داشت . این تنها چیزی بود که ازمال دنیا با خود میبرد .

وی بسر زمینی میرفت که عادت ورسوم آنها مردم آنجا وزبانشان همه برای او تازه وغریب بودند .

بما گفت " برای من دعاکنید که شجاع باشم " بعد ازمهاجرینی که با آنهمه فداکاری وگذشت برای تعلیم مبادی امر حضرت بهاء الله به تسو آمده بودند تشکر وسپاسگزاری کرد . همه مسلمین مدرسه باخانواده خود برای خدا حافظی پای اتوبوس آمده بودند . مهاجر افریقائی زن وبچه و فامیل و همه چیز خود را بخاطر اجرای آرزو و میل مولایش رها کرده بود .

ممکن بود این کار بنظر دیگران نوعی فداکاری باشد اما در نظراو فقط اطاعت دستور حضرت ولی امرالله بود . مگر نه آن بودکه حضرت عبدالبهاء فرموده بودند اطاعت از او اطاعت از حق است . حالا روح خداو روح حق درین پیام بود واو مهاجرافریقائی ما فقط بیك طریق میتوانست باین ندا پاسخ گوید : بلا فاصله برخیزد وعاشقانه قیام بهجرت نماید . برای ماوی مظهر این بیان مبارك حضرت بهاء الله بود " کدام عاشق که جز در وطن معشوق محل گیرد و کدام طالب که بی مطلوب راحت جوید . . . از صد هزار جان در گذرند ویکسوی جانان شتابند ."

باری با همه مادست داد وسوار اتوبوس پرجمعیت گردید ودرلابلای مسافرین از نظر پنهان شد او خمیرمایه ئی ازتعالیم حیات بخش حضرت بهاء الله در آن انبوه جمعیت بود . بعد سرش‌را از پنجره بیرون آورد . ایکاش بودید وتبسم اورا میدیدید . یك دستش را از پنجره بیرون آورده و تکان میداد و وقتی اتوبوس شروع بحرکت کرد سرش را برگرداند وبا روئی گشاده و لبی پرخنده فریاد زد :

از : ایادی امرالله ویلیام سیرز

ترجمه : فریدون وهمن

" اللـــه ابهـــی " .

تا مدتی از اوخبری نرسید و کم کم اعضاء محفل نگران شدند : " شایـــد مریض شده شاید شغلی پیدا نکرده شاید هنوزکار تبلیغ را شروع ننموده " بهر حال تا دوماه ازاو هیچ اطلاعی نرسید . بعداز دوماه خبرش رسید . نامه ننوشته بود فقط یك تلگراف مختصر وساده : " هر چه بیشتر اوراق پرسشنامـه برای تسجیل و جزوات امری بزبان انگلیسی بفرستیـــد ."

— ۷ —

یکی دیگر از مهاجرین برای تبلیغ به کنیـا واقع در قلب منطقه خطرناك (مائو مائو) رفت . وی وقتی برای اول بار از امر مطلع شد معلم مدرسه ــ کلیسا بود . یکی ازاحباء جزوه ای شامل مسائل امری باو داده بود و وی جزوه را برای مطالعه باطاقش در مدرسه برده بود . اما روسای مدرسه بلا فاصلـــه موضوع را کشف کردند و باوتکلیف نمودند که جزوه رامعدوم کند ودیگر درمورد امر بهائی حتی حرف هم نزند . وی گفته بود : " این دیانت واعتقاد قلبـی منست چطور میتوانم در باره اش نیندیشم وحرف نزنـــم ."

بعد باوگفتند اگر پا فشاری کند شغلش را ازدست خواهد داد یا باید از ــ شغلش دست بکشد یا چشم از این حرفهای مهمل بپوشـد . وی پرسیده بـود " آیا اینکه خدایکی است ــ دیانت بایددیانت واحد باشد ــ همه پیامبـران نسبت بموقعیت ومکان از جانب خداوند مبعوث شده اند واینکه همه بشر باهـــم برادر هستند حرفهائی مهمل واحمقانه است ؟ "

گفتنـــد بهر حال یك کدام را انتخاب کن . گفته بود " انتخابی درکار نیست . هیچ چیز قادر نخواهد بود مرا ازاعتقاد بدیانتم باز دارد ."

باو گفتنـــد : " خواهیـــم دیـــد "

شغلش را از دست داد واز تدریس درکلیه مدارس محروم شد . کشیـش پدر وبزرگان فامیلش را وادار کرد که پسرشانرا نصیحت نمایند تا دســـت از این حرفها بکشد وبه شغلش وبه کلیسا بازگردد . بعد علنا مخالفت بـــا او را آغاز کردند واورا باخراج ازقبیله ومحرومیت از ارث تهدید نمودند .

درمقابل تمام اینها اومیگفت : " همه چیزها باراده خداوند وبخواست اوست . من هرگز ایمانم را بحضرت بهاءالله از دست نخواهم داد زیرا بیـش از این نمیتوانم بخاطر هیچ زندگی کنم ."

همه کس با اومخالفت میکرد ومشکلات زیـــادی در زندگی او بوجود آمده بود ولی این بیانات مقدس حضرت بهاء الله قلب این مومن عزیز را همواره شجـاع میداشت : " ستمنعون عن حبی و تضطرب النفوس عن ذکری لان العقول لـــن تطیقنی والقلوب لن تسعنی " مضمون بیان مبارك) شما را ازحب من منـــع

خواهند کرد ونفوس ازیاد من مضطرب خواهند شد زیراظهور من مافوق طاقت عقول ووسعت قلوب میباشد . سرانجام سعی کردند زن جوانش را مجبور کنند تا ازاو طلاق بگیرد مگر آنکه وی حضرت بهاء الله را انکار نماید .

از هرطرف عرصه براو تنگ شده بود . شغلش را ازدست داده بود از ـ فامیلش اخراج شده بود ـ دوستانش او را ترك نموده بودند واکنون نوبت زن و فرزندانش بود . اگر وی بایست انتخابی درین میانه صورت بگیرد شاید درین‌گیرودار و کشاکش راهش عوض میشد ولی چون او ازروز اول حضرت بهاء الله را ـ انتخاب کرده بود دیگر هیچ چیز دنیا درنظرش ارزش نداشت .

بارها احبای خوش قلب و پاك طینت افریقا این بیانات مقدسه حضرت بهاء الله را از کلمات‌مکنونه برای ما میخواندند که میفرمایند " لا تحرم نفسك عن جمیل ردائی ولا تحرم نصیبك عن بدیع حیاضی لئلا یاخذك الظماء فی سرمدیه ذاتی " مضمون بیان مبارك اینست (وجود خویش را از طراز ـ ردای زیبای من عاری منما واز منبع فیض بدیعم بهره خویش را فراموش مکن تا ازابتلاء بعطش درسرمدیت ذاتم درامان مانی .)

بعدا وقتی وارد دارالسلام شدیم شنیدیم که‌آن جوان درمدت بسیار کمی در محل مهاجرت خود موفق به تبلیغ هشت نفر بشریعه الهیه شده است .

ـ ۸ ـ

یکنفر از مردان (امباله) جزوه کوچکی درباره امرخوانده بودو اصرار داشت که جزء مومنین بشمار آید . باو گفتند که چنین کاری میسر نیست زیرا او بی بایست اطلاعات و معلومات بیشتری از امر بیاموزد . همچنین باو خاطر نشان ساختند که بخاطر امر و بخاطر حفظ خود احباء هر یك ازایشان باید پس از ایمان بحضرت بهاء الله اطلاعات کامل در باره مبادی و اصول امر بیاموزند وبعد تسجیل شوند .

جزوه ای که خوانده بود بدست گرفت وگفت : " من هم اکنون آماده ام . تا بحال چیزی که اینقدر مراخوشحال کند نخوانده بودم . من ایمان آورده ام و بهائی هستم " . باو گفتند : " هنوز بهائی نیستی خیلی چیزهاباید یاد بگیری " . گفت " بسیار خوب هرچه حضرت بهاء الله فرموده باشند من قبول دارم وآنرا انجام خواهم داد . چیز دیگر میخواهید؟ من بهائی هستم " گفتند : " بعدا حالا نه " گفت " نه همین حالا "

باو گفته شدکه : " شما تازه شروع به تحقیق کرده اید و مبتدی هستید معلومات زیادی درامر ندارید ."

گفت " من همه چیز میدانم . پس گوش کنید " آنگاه بعضی مطالب جزوه ای را که خوانده بود ازحفظ بیان کرد : " خدایکی است ـ انبیاء همه ازیك افق

مشرق هستند ــ وحدت عالم انسانی ــ همه خوب هستند ودرعالم شر وجود ندارد ــ کارعبادت است ــ عدالت برای همه حتی سیاهها." بعد گفت " دیدید چه خوب گفتم . من همه چیز را میدانم وبهائی هستم "

بالاخره یکی از مخاطبینش با بی حوصلگی از اوپرسید " خوب حالا که همه چیز را میدانی بگو حضرت ولی امرالله کجا زندگی میکند؟ " بدون لحظه ای تامل وبا اعتماد کامل بلا فاصله جواب داد " در مومباسا "

مومباسا تنها شهر بزرگی بود که وی درعالم میشناخت وبالطبع حضرت ولی امرالله میبایست در آنجا زندگی کند .

اما حالا او همه چیز رامیداند . اراضی مقدسه را بخوبی میشناسد درباره محافل روحانیه ملیه و محلیه وبیت العدل اعظم مطالب زیادی میداند . همچنین میداندکه غیراز (مومباسا) شهرهای دیگری در دنیا وجود دارد که هزاران جامعه بهائی درآن نقاط قائم به تبشیر وتبلیغ امر حضرت بها ٔ الله و ابلاغ این بیان مقدس هستند " عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن "

امروز او میداندو معتقد شده است که ازخیلی مسائل بی خبراست وخیلی چیزها را باید یاد بگیرد . اما یك چیزرا خیلی خوب میداندو آن اینست که ایمان دیانت امید قلب او وهمه هموطنانش است .

— ۹ —

اولین مهاجری که (تسو) را ترك کرد به دورترین نقطه (تانگانیکا) رفت . برای رسیدن بآنجا وی میبایست دریاچه بزرگ (ویکتوریا) را دوربزند. همه مادور اتوبوسی که باآن از کامپالا میرفت جمع شده بودیم .زن وطفل ــ کوچکش او را بوسیدند وازاو خداحافظی کردند . او هم گریه میکرد وهم میخندید وی خندید چون قیام به خدمت بامر مقدسی که آنقدر برای او عزیز بود مینمود و گریه میکرد ازاینکه ساعت جدائی فرا رسیده بود .

حالت روحی عجیبی داشت وسر اپای بدنش مرتعش بود . جسمش او راوسوسه میکرد بماند وروحش اورا بسوی نقطه که مورد نظرش بود می کشاند .

مادسته جمعی شروع بخواندن سرودی که درمدرسه تسو میخواندیم کردیم . این سرود را باهمان چند لغتی که از زبان تسو یادگرفته بودیم ساخته بودیم .

Yoga Ojekuna Ebu
Yoga Ojikuna Ebu
Yoga Ojekuna Ebu
Yoga Do!

آهنگ آن آهنگ سرودی بودکه درآمریکا میخواندیم باسم " من ظهور الهی را با چشمان خودیده ام " و ترجمه سرود چیزی شبیه باینست :" آهای حال من خیلی خوبست ــ بله . آهای حال من خیلی خوبست بله .آهای حال من خیلی خوبست بله . خیلی ازشما متشکرم . خداحافظ"

ممکن نبود ما یکبار این سرود رادرمدرسه بخوانیم وفریاد خنده بیش از دویست نفر ازاحباء به هوا نرود .

بالاخره ساعت حرکت ماشین فرا رسید ودسته جمعی شروع بخواندن سرود دیگری کردیم که آهنگ واشعار آن توسط دسته موسیقی مدرسه تهیه شده بود نام این سرود این بود " آری ظهور بهاء الله رجعت مسیح است."

لحظه خداحافظی فرا رسید مهاجر عزیزمان را صمیمانه درآغوش گرفتیم . آخرین تصویری که ازاین سرباز فداکار حضرت ولی امرالله درذهن داریم هنگامی بود که وی با یکدست با احباء دست میداد و خداحافظی میکرد وبا دست دیگر مقداری جزوات ورسالات امری را محکم بسینه اش میفشرد . بهاء الله وعصر جدید ــ کلمات مکنونه ــ بشاراتی از انجیل وتوراه وپنج دفترچه کوچک که میگفت اسم تمام کسانی راکه باآنها صحبت تبلیغی بکند درآن ها خواهد نوشت. از پنجره اتوبوس دست دیگرش را که آزاد بود چند بار بسوی ماتکان داد وگفت" بازهم همدیگر راخواهیم دید ــ درحیفا یابغداد شایدهم آن دنیا"

دراینجا هنوز از مشاکل و موانعی که یکنفر مهاجر با آنهاروبرو میشود سخنی نگفته ایم . بدون تردید هیچ سنگری بدون دادن تلفات فتح نمیشود . مالاریا دیسانتری زخمهای عمیق روی دست وپا ــ آنفلوانزا ــ سرما ــ گرما ــ گرسنگی و ناراحتی از عواملی هستند که شخص مهاجر رااحاطه میکنند . .

احتیاجی نمی بینیم که درباره مشاکل و مصائبی که مهاجرین متحمل میشوند بسط مقال بدهیم وبه تفصیل بپردازیم زیرا این مشکلات چون ساروجی است که بنای فتح و فیروزی باید با آن ساخته وبرپاگردد .

شخص مهاجر بتدریج بزندگی خاصی عادت میکند . آنچه را که قبلا جزء ضروریات زندگی میدانست در نقطه مهاجرتی بنظرش جزء اشیاء لوکس میآید و آنچه را که در زندگی قبلی غیر ممکن میدانست اکنون ضروری ولازم میداند .

مهاجر ما درمیان هلهله و شور دوستان وفامیل حرکت میکند . برفراز امواج خروشنده ای ازخنده ها واشکها و طنین موفقیت و توفیق راه میافتد . بعد کم کم صداها خاموش میشود امواج فرو می نشیند و شخص مهاجر خودش را تنها می یابد . حالا وقتی است که به نقطه مهاجرتی وارد شده وباید خودش را با محیط جدید آداب تازه ومردم غریبه تطبیق دهد . در اینجاست که

او با مشکلاتی که یکنفر مهاجر باآن روبروست مواجه میشود . این مشکلات محلی نیست واختصاص به منطقه بخصوصی ندارد بلکه مشکلاتی بین‌المللی است که همه جا بسراغ مهاجرین میرود از قبیل نبودن شغل ــ نداشتن اجازه اقامت نداشتن پول ــ نداشتن مسکن ــ نداشتن دوست ودربسیاری از نقاط نداشتن پست وبهداشت .

دراینجاست که شخص مهاجر دست بدامان دعا میزند و دری یابد که نمیتواند به تنهائی با اینهمه مشکلات مقابله کند . البته کسی از او چنین انتظاری ندارد . آنچه یکنفر مهاجر باید انجام دهد آنست که درمحل مهاجرتی خود استقامت ورزد وبقیه امور را بحضرت بهاء الله واگذار نماید . اوست که با مشیت مطلقه خود همه کارها راروبراه و آسان خواهد ساخت .

حضرت عبدالبهاء مکررا فرموده اند که احباء باید سربازان خداوند ــ جند الله باشند . ما خانه خود ــ دوستان آشنایان ــ فامیل وبستگان ــ شغل و مقام خلاصه همه چیز را رها میکنیم وبمیدان میرویم . درینجادیگر راه باز گشت وجود ندارد . عرصه نبرد ما دنیاست ونقشه کارما جهادکبیراکبرد هساله است . باید بفرموده حضرت عبدالبهاء باسلاح محبت مسلح شویم واز شهر ها و مراکز پر جمعیت بهائی به نقاط لازم المهاجره برویم .

حضرت بهاء الله درلوح مبارك كرمل میفرمایند :

" احب ان ابشر كل بقعه من بقاع الارض و كل مدينه من مدائنها بهذا الظهور الذی به انجذبت فواد الطور ونادت السدره الملك والملكوت لله رب آلایات "

حضرت عبدالبهاء نظیر این بیانات مقدسه را دریکی از الواح مبارکه می فرمایند : " ایکاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو بکمال فقر بآنصفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها ودهات وکوه وبیابان و دریا یابهاء الابهی میگفتم وترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا درحسرتی عظیم هستم بلکه انشاء الله شماها موفق شوید "

آفریقای محروم ودورافتاده آفریقای خاموش وآرام اکنون این ندا راشنیده بآن جواب میدهد و باجرقه ای ازاین آتش مشتعل شده است .

یکروز صبح درباره تاریخ دوران اولیه امر صحبت میکردیم و بعد از شرح شهادت شهدای سبعه طهران کلاس تمام شد . دراینموقع پیر مردی نورانی و پراحساس پیش ما آمد . این نفس مقدس تصور کرده بودکه شرح جانبازی‌شهدای امر درایران برای آنست که بهائیان آفریقا را آماده کنیم که بزودی جان خودشانرا درین راه وبخاطر ایمانشان نثار کنند . پیر مرد ازما تشکر کرد و گفت :" این داستان روحیه مرا قوی خواهد داشت تاوقتی نوبت شهادت من رسید حتی ذره‌ای بخود بیم راه ندهم "

بقیه در صفحه ۳۹۸

از سهیل سمندری

بیاد روز فیروز وضع حجر زاویه ام المعابد اروپ

بگوش همهمه ای از رفیق اعلی بود
بلند هلهله یا بهاء الابهی بود
نهاد سنگ بنا را سفیر غصن بها
همان کسی که سرشتش ز عشق وتقوی بود
بیامد نداحبا بسوی قلب اروپ
که قلبشان همه آئینه مصفا بود
هزار تن ز احبای نازنین بودند
سرور از سر و روی جمیع پیدا بود
رئیس شهر بیامد بوقت هشتن سنگ
بگاه نطق زبانش بنعت گویا بود
بزیر خیمه شکفتند همچو گل احباب
اگر چه ابر و گِل وباد بودو سرما بود
بشهر قدرت در ظهر روز هیفدهم
بسال هفده وصد این بساط بریا بود
عجب مدار اگر بعد هفت سال تلاش
که پرچم ظفر وفتح در کف ما بود
ظهور معجزه اسم اعظم افخم
بدید هر که ورا دیده پاك و بینا بود
خدا بقطب اروپا بلند کرد علم
نبشته بر زبرش یا بهاء الابهی بود

از استاد محمدعلی سلمانی

خالی ز عشق تو نبود هیچ سینـــــه ای
در هر خرابـــهٔ تونهادی دفینـــــه ای

ظاهر ز هردلی شده مهـرجمـــال تـــو
چون قرص آفتاب ز هر آبگینـــــــه ای

تنهـا نه دل زعشق تو فریاد میزنـد
حسنت فکنـده ولـولـه در هـر مدینه ای

دریا شدازفراق تو عالم زاشـــك من
بایـد دوباره نـــوح بسازد سفینـه ای

معـروف خاص وعـام شدم من زعشق تـو
چون مفلسی که درگفش افتـد خزینـه ای

خونـم بـریـز ای بفدا ی دو چشم تـو
تا فتنـه زمانه نچیده زمینـــــه ای

هر گلرخی قرینه هستـــش در این چمن
جز گلعـــذار مـا که ندارد قرینـــه ای

ای مـرغ شب بغیر تجلی ز آفتـــاب
آخر چه دیده ای تو که با او بکینـــه ای

هر گه شوی کمینه گـــدای در بهـــا
سلطان ز بنـدگان تو باشد کمینـــه ای

بیانات جناب احمد یزدانی بفارسی در سالن دانشگاه ماکاریر ـ کامپالا یوگاندا

الله ابهی

این بنده حقیر برحسب تصمیم محفل مقدس روحانی ملی ایران نماینده مبلغین و ـ مبلغات و ناشرین وناشرات نفحات‌الله ایران‌هستم و مامورم پیام آنها رادراین جا عرض کنم .

شما میدانید ۱۱۷ سال است ناشرین‌نفحات‌الله درایران سعی وکوشش مینمایند وبرای هدایت نفوسی مورد بسی اهانت وتحقیر قرار گرفته اند رنجها برده اند ودرسفرو حضراذیت هادیده اند اما بخدمت خود ادامه داده اند .

اما مملکت ایران درحین ظهور مبارك یکی از تاریکترین افق ممالك عالم بود وملت ایران از همه بیشتر گرفتار خرافات و اوهام بوده اند .

از چنین مملکت‌تاریك این نور عظیم الهی طلوع کردوعالم انسانی را بوحدت نوع بشر و صلح عمومی هدایت فرمود . شما همه میدانید که تبلیغ کردن وهدایت شدن نفوس موکول به قلوب صافیه است هم آنکه میگوید و آنکه میشنود اثر کلام موقعی حاصل میشود که درطرفین قلب پاك موجود باشد .

اینست که حضرت بهاء الله درکلمات مکنونه میفرماید " فی اول القول نادیك قلبا جیدا حسنا منیرا لتملك ملکا باقیا ازلا قدیما "

درایران ودرممالکی که بامر حضرت‌عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مسافرت کرده ام مانند ؛هلند هندوستان ـ ترکیه ـ ممالك عربی ـ افغانستان و غیره مشاهده کرده ام که در هیچکدام ازاین ممالك این نوع استعداد هدایت شدن یعنی دارا بودن قلب پاك مثل افریقا دیده نشده است .

حالا پیامی که من ازطرف ناشرین نفحات الله دارم مربوط بدو موضوع است یکی مربوط به بشارات روحانی است که از این قاره بگوش‌عالم بهائی رسیده ومیرسد که درمدت کمی جمعی کثیر بدین تعداد زیاد درظل امرالله در آمده و باعث این شده که از جانب ناشرین نفحات‌الله در ایران از صمیم قلب بجمیع هدایت کنندگان و هدایت شدگان تبریك و تهنیت‌عرض کنم .

موضوع دوم اینست‌که درنقشه ده ساله جهاد روحانی درمملکت ایران درطهران می بایستی مشرق الاذکار ساخته میشد ولی متاسفانه ـ بواسطه اینکه افق روحانی ایران را ابرهای اوهام گرفته توفیق حاصل نگردیده است.

اما خوشبختانه برادران عزیزما درافریقا این موفقیت راحاصل کرده ومشرق‌الاذکارساخته اند و مارا بانهایت شوق ومیل بخدمت شما کشانده است .

اما چون همه میدانیم واعتقاد داریم که عالم انسانی ملت واحدو تمام کره ارض وطن ـ واحد است نه صحبت ملیت داریم ونه فکر تبعیض نژادی بلکه سرتاسر عالم‌انسانی ملت واحد هستند لذاهر موفقیتی در هرکجا حاصل شود آن متعلق بتمام عالم بهائی است .

پس مشرق الاذکار شما مشرق الاذکار ماست و ما بهمان اندازه از اتمام ساختمان این مشرق الاذکار مجلل شما شادیم که گوئی در شهر و کشور ما ساخته شده است .

اجازه میخواهم یک آیه از لوح سلطان را که از کلک اطهر حضرت بهاء الله صادر شده برای شما تلاوت نمایم و آن آیه اینست : " سوف یفتح الله لمدینته بابا رجائا یدخل فیه الناس افواجا " یعنی عنقریب خداوند در وسیعی باز خواهد کرد برای مدینه اش که افواج و گروه های بشری داخل مدینه الله شوند من اینطور معتقدم که این در وسیعی که حضرت بهاء الله مقدر فرموده اند برای امرالله و مدینه الله از این نقشه ده ساله حضرت ولی امرالله شروع شده زیرا این نقشه باعث مهاجرت وتوسعه امر درسراسر جهان و ورود این گروه زیاد در ظل شریعه الله است این آن در است که حضرت بهاء الله برای مدینه الهی یعنی این شریعت نازنین وعده فرموده اند و بعد هم درهای وسیعتر دیگری باز خواهد شد .

شما میدانید که دونقشه هفتساله امریکا و این نقشه دهساله حضرت ولی امرالله مجموعا مرحله اولای اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء بوده است و پس از اتمام نقشه ده ساله قدمهای بزرگتر ونقشه های وسیعتری در پیش خواهیم داشت اینها قدم اول ما بوده است.

مطلب دیگر اینکه ما فقط دوبار مشرق الاذکار را زیارت کردیم والواح و مناجاتها وآثار امری را استماع نمودیم و الحان خوشی را که درآن محیط طنین انداز بود شنیدیم و لذت روحی بردیم لکن شما احبای عزیز افریقا در جوار مشرق الاذکارید واین توفیق را خواهید داشت که مکرر در مکرر اجتماع کنید مناجات و دعا برای موفقیت احبای جهان مخصوصا برای موفقیت خودتان درتاریکه اینقدر مورد توجه حضرت ولی امرالله بوده که میفرمایند (قاره مشتعل افریقا) شما میدانید دعا و مناجات بسماء امرالله صعود میکند وجلب فیض وبرکت مینماید . از مشرق الاذکار دعا ومناجات صعود میکند بجهان بالا و فیض و برکات الهی را جلب میکند این فیض وبرکت هم برای آنانکه در ظل امرند وهم برای آنانکه درظل امر نیستند و هم شامل کلیه موسساتی میشود که در حول و حوش مشرق الاذکار هستند قرار گیرند .

من خود را موظف میدانم همانطور که از آنطرف تحیات و تهنیت ناشرین نفحات الله را آورده ام از اینجا هم این سرور و موفقیت شما را برای احبای عزیز وناشرین نفحات الله بعنوان پیام ببرم .

تبلیغ امرالله واحیای نفوس غافله بشرایط و دستور های معینه در کتاب والواح و آثار مبارکه بحکمت و بیان و کمال محبت و رافت وانقطاع و خلوص و بدون مجادله واصرار بر عموم واجب است .

اقامه نماز

غلامرضا روحانی

یکی از احکام الهی که در عصر هریك از شارعین عظام از دعائم دین و مخصوصا دراین امر اعظم اس اساس امر خداوند بی نیازاست . بویژه در صبحگاهان که ابواب رحمت بازاست وموقع راز ونیاز بدرگاه پروردگار بنده نواز است و هنگام توجه وتبتل بآستان محبوب بی انباز که پدید آورنده هر انجام وآغاز است و موجد هر نشیب و فراز . درسحرگاهان دلهای عاشقان جمالش پر سوز وگداز است و ارواح مشتاقان وصالش بنهایت اهتزاز در هوای قدسش بپرواز ودست امید هر مستمند بذیل عطایش درازاست و آه وحنین هر دردمند در فضای درمانگاه رحمتش طنین انداز . مشرق الاذکارش محل راز ونیازاست و مسجد الاقصی و کعبه حجاز طائف حول روضه مبارکه اش که مطاف ملاء اعلی وقبله اهل راز است

نعم مقال

حور اگردیده برآن روضه کند روزی باز — سازد از شرم در روضه فردوس فراز
بوستانیست که طاووس ملایك هر دم — ز سر سدره نماید بهوایش پرواز
خم طاقش همه باسقف فلك گردد جفت — لب بامش همه درگوش زحل گوید راز
زهره را زهره نباشد که ببامش گذرد — تا نیابد ز وکیلان درش خط جواز(۱)

ابهی ذات اقدسی که هر ذره از ذرات کائنات بحمد وثنایش دمساز است وهر موجودی از موجودات بآستان محمودش چون ایاز با نغمات ساز عبودیتش هم آواز است وباین ترانه ملکوتی نغمه ساز که (ای خداوند بی نیاز دلهارا برازخویش دمساز کن واز بیگانه وخویش بی‌نیاز فرماز جام صبوحی درصبح الست بنوشان وازجام الست سرمست نما این بندگان واله وشیدای تواند و این مشتاقان آشفته وپریشان تو سرگشته کوی تواند و پر جذبه در روی تو گله آهوی تو در بیابان هجران سر گشته وسرگردان هستیم ودر وادی حرمان پریشان . بدرقه عنایت بفرست وبیك هدایت تا بوئی از کوی تو بمشام در آید وبرتوی از رویت در کلبه احزان این حسرت زدگان افتد ظلمت دیجور بنور تبدیل گردد وگلخن حرمان گلشن احسان گردد توئی توانا و بینا وشنوا ع ع .

---

(۱) این چند شعر از سلمان ساوجی علیه الرحمه است که مناسب حال و مقال درج گردید .

چنانکه خوانندگان
عزیز مستحضرند متصاعد الی الله جنـــاب
سیدعبـاس‌علوی از طرف محفل مقدس روحانی طهـران
در مـــراسم افتتاح مشرق‌الاذکار کامپالا شرکت‌فرمودند . جنـــاب
ایشان در جلسه ضیافت ۱۹ روزه ای که در شهر نایروبی (کشور کینـا)
تشکیل شده بـــود بیاناتـــی نمودند عین بیانات مـــزبـور
کـــه از یاد داشتهای شخصـــی ایشـان استخـــراج
گـــردیده بعنـــوان آخـــرین یادگـــار از
آن متصـــاعد الـــی الله بنظـــر
دوستان عزیز میرسند

خداوند در قبرآن مجید میفرماید لو انفقت مافی الارض جمیعاما الفت بین قلوبهم و لکـــن اللـــه الف بینهم یعنی‌ای پیغمبر اگر جمیع ثروتهای روی زمین را خرج نمائی نخواهی توانست دلهـــا را بهم ارتباط دهی تالیف قلوب مخصوص ذات مقدس حق است که بمظاهر خود عطا میفرماید ایضادرجای دیگر میفرمایـد قوله تعالی " و اذکروا اذکنتـم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانـــا " یعنی ایمردم زمانیـــرا که دشمنان یکدیگر بودید بیادآوریـد .خداوندقلبهای شمارا باهم مربوط و آشنـا کرد . دشمنیها را بقدرت کامله خود مبدل بصدق و صفا و دوستی فرمود . بموجب‌دلائل حسی وعقلی و تاریخی هیچ سلطان و امپراطور مقتدری با وجود مهیا بودن تمام اسباب از ثروت و سپاه وشمشیـر و توپ و تفنگ نتوانست از روی حقیقت (نه بظاهر) دو دل را بهم نزدیك نماید وارتباط دهـــد تا کنون بشهادت تاریخ بزرگترین فلاسفه عالم از قبیل افلاطون و ارسطو و اوگوست کنت و دکارت و امثالهم نتوانستند بقوه علـم وفلسفه دشمنیهای قلوب را مبدل بدوستی واقعی نمایند همین نحو اصحاب ثروت و صنعت با تمام جدیت وکوشش طاقت فرسای خود نتوانستند قلوب را منقلب نمایند علمای تمـــام ملـــل نتوانستند حتی مذاهب منشعبه در دیانت خود رابهم التیام دهند نتوانستند سهل اســـت بلکه روز بروز بر دشمنی افزودند شاهد تاریخی زیاداست‌برای نمونه عرض میکنـــم نادرشاه با آنهمـــه قدرت وسلطنت نتوانست بین علمای شیعه واهل سنت وجماعت محبت واقعی ایجاد نماید حتی راضـــی شد که یکنفر نماینده مذهب جعفری که مذهب رسمی ایـرانست در بیت الله الحرام قرار دهد نشد که نشـــد همین نحو جناب پاپ‌با تمام قدرت خود نمیتواند مذاهب متعدده در مذهب مسیح راهم متحـــد و متفق نمایـد بلکه روزبروز بر اختلاف افزوده میشود ونمیتواند جلو گیری نماید . اما حضرت بهاء الله و حضرتاعلی جل ذکرهمـــا در زیر زنجیر و تنگنـــاحبس وهجوم علما وقیام سلاطین خصوصا ناصر الدینشاه و عبدالعزیز وعبدالحمید بر ضدآن دوموجود مبارك وحمله تمام مـردم وآنهمه کشتار و خونریزیوواسارت‌زنها واطفال و تاراج نمودن اموال و سوختن آنهمه خانه هاو هزاران بلایای لا تحصی با نبودن اسباب ظاهره بقوه خارق العاده ملکوتیه زلزله بر ارکان عالم انداخت و افکار عموم بشـــر را تغییر دادبطوریکه بهائی وغیر بهائی من غیر توجه احکام مقدسه آسمانی اورا عمل مینمایند دشمنی ها را مبدل بدوستی فرمود جمیع ملل را باهم آشنا کرد تعالی تعالی هذه القدرة القاهره تعالی تعالـــی هذه الکلمه النافذه فی عروق العالم تعالی تعالی هذه السلطنه الغالبه علی کل الاشیاء .

ورزش چیست وچگونه باید انجام شود ؟

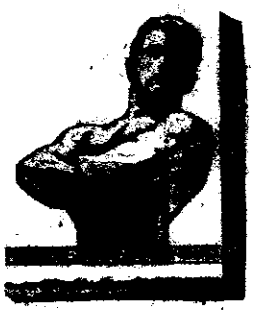

از : روح الله سخنور

هنگامیکه کلمه ورزش بگوش میخورد ممکن است هیکلی قوی و نیرومند با عضلاتی بر جسته از خاطر بگذرد و یاصحنه رقابت وبرتری در میدان مسابقه در نظرمجسم گردد درصورتیکه از ورزش تنها نیرومندی جسمی و داشتن عضلات و نبرد درمیدانهای رقابت و مسابقه نیست شاید در گذشته کمتر باین موضوع توجه میشد و چه بسا افراد که بخاطر نیرومندی عضلات و بدست آوردن قدرت جسمانی سلامت ظاهری خود راهم ازدست میدادند و یا اینکه دسته های ورزشی جهت پیروزی درمیدانهای مسابقه و نیز بخاطر شهرت وبلند پروازی باعمالی دست میزدند که یکی از اساس ورزش بدور بود .

متاسفانه امروزه نیز کم و بیش این مطلب صادق است یعنی بعضی از ورزشکاران ورزش را وسیله زورگوئی و سلب آسایش عمومی قرار داده. نیرومندی خود را صرف آزار دیگران مینمایند . خوشبختانه جوانان عزیز و ورزشکار جامعه بهائی بااجرای وصایای مقدسه و تعالیم متعالیه معتدله دین مبین در این مورد قدمی بخطا نرفته و ورزش را وسیله نیرومندی جسم برای سلامت و تقویت روح وفکر قرار داده از این طریق نیز برای نیل باهداف عالیه میکوشند وبطور کلی بمصداق عقل سالم درتن سالم برای تقویت نیروی عقلانی که جسم سالم وبنیه قوی موثر در آن است در جنبش و تلاشند . هدف نهائی از ورزش نیز جز این نیست .

حال ببینیم چه ورزشی برای ما مناسب است و چگونه و چه وقت باید بورزش اقدام کنیم ؟ اینها همه سئوالاتی است که هر شخص قبل از اقدام باین امر از خود میکند . جوانان عزیز باید باین موضوع اساسی توجه بفرمایند که هر بدنی برای ورزش

مناسب است وهر قدرتی به تحمل فشاری معین تواناست وتازه تشخیص این بنوبه خود کار ساده ای نیست در ممالك مترقی برای این موضوع کمال اهمیت را میدهند بدین صورت که افراد قبل از شروع بورزش اولیه بسازمانهائی که کارشان تشخیص ورزش فراخور افراد است مراجعه وکمك میطلبند این هیات که متشکل از پزشکان مجرب و ورزشکاران آزموده است از هرجهت از شخص مراجعه کننده معاینه بعمل آورده با درنظر گرفتن روحیه وعلاقه او بورزشهای مختلف وباتوجه دقیق باعمال قلب ـ ریه ـ سلسله اعصاب ـ قدرت جسمانی و رزیدگی عضلات و استخوان بندی ورزش ـ درخور توانائی را تعیین میسنمایند . البته مسلم است با این طرز عمل پیشرفت و موفقیت ورزشکار سریعتر و حتمی است گر چه بعقیده دکتر بوازلی فرانسوی با یك نگاه میتوان ورزش درخور افراد را تعیین نمود ولی چندان خطا نرفته ایم اگر باعمال قلب و اعصاب نیز توجه نموده بورزیدگی عضلات و داشتن استخوانها اکتفا نکنیم . چه ـ ممکن است مثلا شخصی که دارای اندامی کشیده و پاهای بلند و وزن مناسب باشد وبرای ورزش دو و میدانی در نظر گرفته میشود دارای ضربان قلبی سریع باشد که بهیچوجه برای این ورزش مناسب نیست وتاب دویدن زیاد را ندارد .

اصولا محیط ورزشی در ایجاد علاقه در شخص بی تاثیر نیست مثلا فرانسوی هابه دوچرخه سواری ـ سوئدی هابه ژیمناستیك ـ ترکها به کشتی و انگلیسی ها به فوتبال که ورزش رایج در آن کشورها است علاقمند میباشند ولی علاقه فرد بورزش مورد نظر نیز در پیشرفت آن موثر است در ضمن باید دانست که برای سنین ـ مختلف ورزشهای مخصوصی در نظر گرفته شده که باید مورد توجه قرار گیرد . غذای مناسب برای ورزشکار از ضروریات است چه برای حرکت و جنبش بیشتر انرژی و کالری بیشتری لازم است و تهیه کالری جز با تغذیه مرتب و متناسب و کامل ممکن نیست در غیر این صورت حصول موفقیت محدود و ناچیز بوده امکان پیشرفت بعید بنظر میرسد . چه بسا نیروهای متناسب که برای ورزش معین آفریده شده چون بنحو احسن از آن استفاده نشده بکلی از ورزش کناره گیری نموده است .

بدین طریق تعیین ورزش مناسب باید اولین اقدام شخص ورزشکار باشد .

انتهی

بقیه از صفحه ۳۸۳ (شهادت)

. . . میگفت غرقه در دریای عشقش بودند و از باران بلا نمی هراسیدند غیر محبوب نمیدیدند و جز پیمانش ذکری نمی نمودند وسهنگام مرگ میسرودند :

پروانه صفت چشم باو دوخته بودم
آنگه که خبر دار شدم سوخته بودم
خاکستر جسم بسر شمع فرو ریخت
اینست وفائی که من آموخته بودم

باید آنکه آیندگان روش گذشتگان پیش گیرند و ارمغان وفای سلف را دنیای خلف گرامی دارد .

انتهی

بقیه از صفحه ۳۸۹ (آفتاب سیاه)

حضرت عبدالبهاء در یکی از آخرین الواح مقدسه شان میفرمایند ("... آنچه باید بکنم کرده ام تااندازه ای که قوه داشتم بامر حضرت بهاالله خدمت کردم . شب و روز درمدت حیات آرام نگرفتم . بی نهایت آرزومندم به بینم احبای عزیز مسئولیت امر مبارك را بعهده میگیرند ..."

انتظار حضرت عبدالبهاء آنست که جانبازانی فداکار با شور و شوق فراوان بنام مقدس او بفتح مدن ودیار بپردازند . آنچه امروز عده ئی را از توفیق درین خدمت باز میدارد همانهائیست که در هر ظهور سدراه مومنین میشده : ثروت فامیل ــ گرسنگی یا مرگ . بیائید همه اینها را بدور بریزیم واین بندها را از دست وپای خود بگسلیم . چون قهرمان قلعه طبرسی که کیسه فیروزه خود را بدور انداخت و چون ام اشرف که سرفرزند دلبندش را نپذیرفت و ــ مانند مجاهدین قلعه شیخ طبرسی که اعتنائی به وعدو وعید دشمنان نکردند و چون خال حضرت اعلی که آرزوی شهادت در راه محبوبش داشت از همه چیز خود برای اعلاء این امر مبارك بگذریم .

آری همه همه آنها که چون گل پاره های ارض باندك رطوبتی متلاشی نمیشوند مانند سربازی شجاع و دلاور برای انجام نقشه الهی دهساله قدم پیش نهیم ــ تا همه اهداف فتح نشده از میدان باز نگردیم ویا اینکه جان خود را چون نشانی از جانبازی در راهی که بقله فتح وپیروزی منتهی میشود بسپاریم . انتهی

من شما را نصیحت ودلالت میکنم (اگرنام
بهاء الله یا عبدالبهاء بسمع شمارسیده
از آثارشان غفلت ننمائید و رو بسر
مگردانید در طلب کتبشان جستجو
نمائید تا آیات بینات
و کلمات عالیات صلح
پرور محبت انگیزشان در دل وجان خود
چنانچه در قلب من جای
گرفته جای دهید .
((علیا حضرت ماری
ملکه رومانیا))

آهنگ بدیع و خوانندگان

جناب حسام نقبائی یکی از همکاران صمیمی آهنگ بدیع شرحی تحت عنوان فضیلت عدد هفت ارسال فرموده اند نویسنده محترم دراین مقاله با استناد به مندرجات بعضی از کتب مقدسه فضیلت عدد هفت را از نظر مومنین بادیان مختلفه مورد اشاره قرار داده اند هیئت تحریریه از مشارالیه کمال تشکر را دارد .

در موقعیکه اعلان درج جدول کلمات متقاطع در آهنگ بدیع منتشر گردید چند نفراز جوانان عزیز وارجمند از جمله آقایان پرویز فنائیان و ناصر هنرور با ارسال جداولی از اقدام هیئت تحریریه استقبال نموده اند ولی چون نظر هیئت تحریریه براین بوده که این جداول ضمن سرگرمی حاوی مطالب امری آموزنده نیزباشد ضمن اظهار تشکر از این دو دوست عزیز از یاران ارجمندی که مایل به تنظیم جداول هستند متمنی است در تنظیم آنها از مطالب امری استفاده فرمایند .

مقاله ای تحت عنوان وحدت عالم انسانی از دوست جوان جناب حبیب الله حسامی واصل گردید که چون درسال جاری مقالات متعددی درباره این موضوع در شماره های آهنگ بدیع منتشر شده ضمن اظهار تشکرفراوان از نویسنده محترم متمنی است مقالاتی در باره سایر تعالیم مبارکه مرقوم وارسال فرمایند .

با انتشار این شماره یکسال دیگر ازعمر آهنگ بدیع سپری میشود در ابتدای این سال پس از مدتی انتظار و تعطیل آهنگ بدیع بکمك همکاران قدیم وجدید دوباره در جریان انتشار افتاد وبدست خوانندگان وفادار خویش رسید هیئت تحریریه لازم میداند دراین جا از نفوس محترمی که با ارسال مقالات و اشعار یا بنحوی از انحاء هیئت را مساعدت فرموده اند تشکر نماید .

هیئت تحریریه متاسف است که درسالی که گذشت در اثر قلت وسایل نتوانست شماره های آهنگ بدیع را آنچنان که مورد نظر بوده جالب و کامل تقدیم خوانندگان عزیز نماید و امیدوارست در سالی که در پیش است بهمت و مساعدت خوانندگان محترم آهنگ بدیع هر شماره جالب تر و کامل تر منتشر وبصورت مرتب تری بین مشترکین گرامی توزیع گردد .

بقیه از صفحه ۳۹۵

. . . آری تالیف قلوب مخصوص مظاهر مقدسه الهیه است مخصوصا این ظهور اعظم که تمام عالم را مرتبط و متصل فرمود .

فسبحان ربنا العلی الابهی الان این مجمع نورانی که مرکب از ادیان متنوعه و نژاد های مختلفه هست بزرگترین برهان بر نفوذ کلمه الله و عظمت امرالله است .

انتهی

فهرست عمومی

مندرجات " آهنگ بدیع " سال ۱۱۷ بدیع

۱۳۳۹ شمسی ـ سال پانزدهم

الف ـ آثار مبارکه		صفحه
۱ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای مرغ صبح هدایت ...)		۲
۲ ـ توقیع مبارک حضرت ولی امرالله (ای برادران روحانی ایام خوش ...)		۲۶
۳ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای آیت باهره ملکوت ..)		۵۰
٤ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای مخمور جام الهی ...)		۸۰
۵ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای بنده حق خاموش مباش ..)		۱۱۰
٦ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای قد سیه آیت تقدیس ...)		۱۳۰
۷ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای یاران الهی و اماء رحمانی)		۱٤۰
۸ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای بندگان آستان مقدس)		۱۷۲
۹ ـ آغاز الواح مبارکه وصایا		۲۰٤
۱۰ ـ اولین توقیع حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه		۲۰۹
۱۱ ـ قسمتهائی از الواح مقدسه وصایا	مقابل صفحه	۲۱۲
۱۲ ـ از لوح مبارک قرن	" "	۲۲۳
۱۳ ـ از توقیع منیع مبارک حضرت ولی امرالله	" "	۲۰٤
۱٤ ـ از توقیع منیع مبارک ۱۰۵ بدیع	" "	۲٦۸
۱۵ ـ از الواح مبارکه وصایا (ای یاران با وفای عبد البهاء)	" "	۲۸۲
۱٦ ـ از توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع	" "	۲۹۰
۱۷ ـ آخرین توقیع حضرت ولی امرالله مورخ اکتبر ۵۷		۲۹۵
۱۸ ـ از توقیع منیع مبارک مورخه نوروز ۱۱۰ بدیع		۳۰۰
۱۹ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء (ای یاران حقیقی ...)		۳۳٤
۲۰ ـ لوح مبارک حضرت عبد البهاء		۳۷۲

قسمتهائی از کلمات مکنونه وآثار مبارکه زینت بخش صفحات مختلفه گردیده است .

ب ـ مقالات	
۲۱ ـ سر آغاز	۳
۲۲ ـ باری که بر دوش ماست	۸
۲۳ ـ تسخیر قلوب	۱٦
۲٤ ـ خاموشی چراغ	۲۷
۲۵ ـ بشاراتی از قاره مشتعله افریقا	٤۱
۲٦ ـ خدا شناسی در ادوار بشر (۱)	٤٦

۲۷ــ استعداد نهفته	۵۱
۲۸ــ دنیائی که در آن زندگی میکنیم	۵۳
۲۹ــ فارسی و عربی	۶۲
۳۰ــ پرفسور بوزانی در ایران	۶۵
۳۱ــ خدا شناسی در ادوار بشر (۲)	۷۴
۳۲ــ همت بلند و مقصد ارجمند	۸۱
۳۳ــ از یك نامه ...	۸۴
۳۴ــ قیام بمهاجرت	۸۹
۳۵ــ وحدت عالم انسانی (۱)	۹۰
۳۶ــ خدا شناسی در ادوار بشر (۳)	۱۰۱
۳۷ــ آثار کلمه حق	۱۱۱
۳۸ــ وحدت عالم انسانی (۲)	۱۱۶
۳۹ــ خاطرات سفر شمال اروپا (۱)	۱۲۱
۴۰ــ سن جوانی را توانائی است	۱۲۶
۴۱ــ خدا شناسی در ادوار بشر (۴)	۱۲۸
۴۲ــ شیرین فوز دار در ایران	۱۳۱
۴۳ــ پیوفائی	۱۳۶
۴۴ــ مقصد از خدمت بامرالله	۱۴۱
۴۵ــ چگونه بنویسیم ؟ ...	۱۴۴
۴۶ــ مدنیت حقیقی	۱۴۷
۴۷ــ وحدت عالم انسانی (۳)	۱۴۸
۴۸ــ سخنی چند با ارباب طرب وهنر	۱۵۸
۴۹ــ خاطرات سفر شمال اروپا (۲)	۱۶۳
۵۰ــ آفتاب عمر	۱۷۵
۵۱ــ امر مهاجرت و مشکلات تبلیغ	۱۷۶
۵۲ــ وحدت عالم انسانی (۴)	۱۸۴
۵۳ــ میهمانان عزیز ما	۱۸۷
۵۴ــ خاطرات سفر شمال اروپا (۳)	۱۹۲
۵۵ــ صحیفه ای که در آن شرح هجر ... (سرآغاز شماره مخصوص)	۲۰۵
۵۶ــ پیام حضرت امة البهاء روحیه خانم	۲۱۰
۵۷ــ باغ میثاق	۲۳۴
۵۸ــ پیام ایادی امرالله جناب سمندری	۲۳۷
۵۹ــ احساسات یك زائر	۲۷۷
۶۰ــ از (ساعتی بیاد محبوب)	۲۸۲

٦١ ـ لنتخابات بهائی	٣٣٥
٦٢ ـ جانم فدای احبابست	٣٤٤
٦٣ ـ ضیافات نوزده روزه	٣٤٧
٦٤ ـ افتتاح ام المعابد افریقا	٣٥٥
٦٥ ـ خونی که ریخته شد	٣٦٨
٦٦ ـ ای باز هوای محبت الله	٣٧٣
٦٧ ـ از شاهرود تا بروجیا	٣٧٧
٦٨ ـ شهادت	٣٨٣
٦٩ ـ اقامه نماز	٣٩٤
٧٠ ـ ورزش چیست ؟ . . .	٣٩٦

ج ـ تاریخی ـ بیوگرافی

٧١ ـ پنجسالی که گذشت	٥
٧٢ ـ تاریخچه پیشرفت امرالله در حبشه	١٨
٧٣ ـ پنجسالی که گذشت (٢)	٣٦
٧٤ ـ پنجسالی که گذشت (٣)	٥٥
٧٥ ـ شرح حال روح الله حق پژوه	٧٢
٧٦ ـ فاتح روحانی آلمان	٨٦
٧٧ ـ پنجسالی که گذشت (٤)	٩٦
٧٨ ـ شرح مختصری از وقایع هومزك	١١٤
٧٩ ـ نفوذ امر در فرانسه	١٥٢
٨٠ ـ افتتاح الواح مبارکه وصایا	٢١٢
٨١ ـ از نامه جناب دکتر لطف الله حکیم	٢٨٤
٨٢ ـ پرفسور اگوست فورل (١)	٣٥٢
٨٣ ـ پرفسور اگوست فورل (٢)	٣٧٨

د ـ ترجمه

٨٤ ـ شرح حال ایادی امرالله دروتی بیکر	٣٢
٨٥ ـ ثم ان علینا بیانه	٥٨
٨٦ ـ علم وعقل ودین	٧٠
٨٧ ـ رهائی از ترس	٩٩
٨٨ ـ بیانات حرم مبارك در انگلستان	١٧٣
٨٩ ـ ام المعابد افریقا	٢٠٠
٩٠ ـ نیازی بآستان حضرت شوقی افندی	٢١٦

۹۱ ــ بیست وپنجسال در ظل ولایت امر		۲۲۳
۹۲ ــ بیانات حضرت روحیه خانم در کنفرانس کامپالا		۲۴۱
۹۳ ــ شرح صعود حضرت ولی امرالله ارواحنافداه		۲۵۰
۹۴ ــ سر دلبران در حدیث دیگران		۳۱۹
۹۵ ــ در محضر حضرت عبد البهاء		۳۳۹
۹۶ ــ آفتاب سیاه (۱)		۳۶۱
۹۷ ــ آفتاب سیاه (۲)		۳۸۴
هـ ــ اشعار		
۹۸ ــ آهنگ دلنشین	احمد نیکوئی نژاد	۱۵
۹۹ ــ تهنیت عید رضوان	عندلیب	۳۸
۱۰۰ ــ رضوانیه	ادیب بیضائی	۳۸
۱۰۱ ــ عید رضوان	ابراهیم شیروانی	۳۹
۱۰۲ ــ بهاریه	نعیم	۳۹
۱۰۳ ــ جوانی	روحانی	۶۱
۱۰۴ ــ هوشم بها گوشم بها	بدرالدین حصاری	۹۴
۱۰۵ ــ ز بحر جود خود یك قطره	نبیل زرندی	۱۲۰
۱۰۶ ــ ای دوست همتی که ...	اقدسی	۱۵۷
۱۰۷ ــ دوست	طلعت بصاری	۱۸۶
۱۰۸ ــ زیانکار کیست	" "	۱۸۶
۱۰۹ ــ دیدی با ما چه کرد	دکتر مصباح	۲۷۳
۱۱۰ ــ بیاد دوست	عباس طاهری	۲۸۹
۱۱۱ ــ در صعود مولای حنون	حسین بیضائی	۳۰۹
۱۱۲ ــ بیاد حضرت ولی امرالله	روحانی	۳۱۸
۱۱۳ ــ بیاد محبوب	بدرالدین حصاری	۳۳۱
۱۱۴ ــ ساقی نامه هجرت	بیضائی	۳۵۱
۱۱۵ ــ شعر (عشق تو)	سلمانی	۳۹۱
۱۱۶ ــ " (بیاد روز فیروز)	سهیل سمندری	۳۹۰
و ــ معرفی کتاب		
۱۱۷ ــ کتاب مستطاب ایقان		۱۰
۱۱۸ ــ مصابیح هدایت (جلد چهارم)		۴۷
۱۱۹ ــ نجوم باغه ــ حکایات امری		۱۰۶
۱۲۰ ــ برهان واضح		۱۶۸

۱۲۱ــ آثار مبارکه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه ۳۰۰
۱۲۲ ــ روز موعود فرا رسید ۳۱۰

و ــ متفرقه

۱۲۳ــ آهنگ بدیع و خوانندگان شماره اول ۲٤
۱۲٤ــ " " " " دوم ٤۸
۱۲۵ــ از نامه جناب محمد علی فیضی از ماکاسار ۵٤
۱۲٦ــ ستاره روشن ۷۱
۱۲۷ــ آهنگ بدیع و خوانندگان (شماره پنجم) ۱۳۸
۱۲۸ــ " " " ششم ۱۷۰
۱۲۹ــ یازدهمین کانوشن ملی جوانان ۲۰۲
۱۳۰ــ ابلاغیه هیئت مجلله ایادی امرالله خطاب باحبای شرق و غرب ۲٦۹
۱۳۱ــ ساختمان بنای مرقد مبارک ۲۷۵
۱۳۲ــ بعضی از وقایع مهمه تاریخ و مشروعات دوره ولایت ۲۸۰
۱۳۳ ــ جهاد جهانی روحانی ۲۹۰
۱۳٤ــ آهنگ بدیع و خوانندگان شماره مخصوص ۳۳۲
۱۳۵ــ یک جوان ممتاز ۳٦۷
۱۳٦ــ آهنگ بدیع وخوانندگان شماره یازدهم ۳۷۰
۱۳۷ــ بیانات جناب بنانی در کامپالا ۳۸۱
۱۳۸ــ بیانات جناب یزدانی در کامپالا ۳۹۲
۱۳۹ــ بیانات جناب علوی در نایروبی ۳۹۵
۱٤۰ــ آهنگ بدیع و خوانندگان شماره دوازدهم ٤۰۵
۱٤۱ــ فهرست عمومی ٤۰۰

فهرست تصاویر

دارالآثار بین المللی	روی جلد شماره (۱)
۲ ــ چهار عکس از اقطار عالم بهائی	پشت جلد شماره (۱)
۳ــ قصر مبارک بهجی	روی جلد شماره (۲)
٤ــ مدرسه بهائی در لاپاز	پشت جلد شماره (۲)
۵ــ حظیره القدس ماکاسار	پشت جلد شماره (۲)
٦ــ عده ای از احبای نهایی	" " (۲)
۷ــ شاگردان مدرسه بهائی بلاک رنک	" " (۲)
۸ــ نمایندگان سه قبیله افریقا در کامرون	مقابل صفحه ٤۲
۹ــ نمایندگان چهار قبیله مائو	" " ٤۲

۱۰ ـ کنفرانس بهائی ایونجی	مقابل صفحه	۴۲
۱۱ ـ نمایندگان شش قبیله در کنفرانس تبلیغی (بکو)	مقابل صفحه	۴۲
۱۲ ـ ماکت مشرق الاذکار فرانکفورت	روی جلد شماره	هفت
۱۳ ـ جشن جوانان بهائی بهمنیر	پشت جلد شماره	سه
۱۴ ـ جشن جوانان بهائی عرب خیل	پشت جلد شماره	سه
۱۵ ـ جشن جوانان بهائی اصفهان	مقابل صفحه	۵۴
۱۶ ـ جشن جوانان بهائی مشهد	مقابل صفحه	۶۴
۱۷ ـ پرفسور بوزانی	صفحه	۶۵
۱۸ ـ روح الله حق پژوه	صفحه	۷۲
۱۹ ـ منظره ای از دارالاثار بهائی	روی جلد شماره	چهار
۲۰ ـ جشن جوانان بهائی نجف آباد	پشت جلد شماره	چهار
۲۱ ـ لبنه جوانان بهائی یزد	پشت جلد شماره	چهار
۲۲ ـ سه تیه حرم اقدس	مقابل صفحه	۹۶
۲۳ ـ قسمتی از حرم اقدس	مقابل صفحه	۹۷
۲۴ ـ منظره ای از سجن عکا	مقابل صفحه	۹۷
۲۵ ـ منظره ای از باغچه های روضه مبارکه	مقابل صفحه	۹۷
۲۶ ـ منظره ای از سجن عکا	مقابل صفحه	۹۸
۲۷ ـ ام المعابد افریقا	روی جلد شماره	پنج
۲۸ ـ شهدای سبعه هرمزك	مقابل صفحه	۱۱۴
۲۹ ـ شیرین فوزدار	صفحه	۱۳۱
۳۰ ـ مشرق الاذکار استرالیا	روی جلد شماره	شش
۳۱ ـ کانونشن محلی جوانان بهائی کرمانشاه	مقابل صفحه	۱۴۶
۳۲ ـ سیزد همین کانونشن آذربایجان	مقابل صفحه	۱۴۶
۳۳ ـ نقشه محل های اقامت حضرت عبد البهاء	مقابل صفحه	۱۵۵
۳۴ ـ کانوشن ملی جوانان بهائی ایران	روی جلد شماره	۷
۳۵ ـ لجنه جوانان بهائی کینهاك	مقابل صفحه	۱۸۲
۳۶ ـ اولین کنفرانس تحری حقیقت در کپنهاك	مقابل صفحه	۱۸۲
۳۷ ـ ایادی امرالله جناب فدرستون وخانم محترمه	صفحه	۱۸۸
۳۸ ـ ام المعابد افریقا	مقابل صفحه	۲۰۰
۳۹ ـ حرم مبارك حضرت روحیه خانم	صفحه	۲۴۱
۴۰ ـ عکسهائی مربوط بشرح صعود مبارك	صفحه	۲۶۴
۴۱ ـ " " " "	"	۲۶۵
۴۲ ـ " " " "	"	۲۶۶
۴۳ " " " "	"	۲۶۷
۴۴ ـ نمای مرقد مبارك حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه		۲۷۵

٤٥ــ شجره نامه مبارك	مقابل صفحه	٢٤٠
٤٦ــ بنای مرقد مبارك و جمعی از زائرین	" "	٢٧٨
٤٧ــ ماکت مشرق الاذکار کرمل	مقابل صفحه	٢٨٠
٤٨ــ منظره ای از مقام اعلی ودارالآثار	مقابل صفحه	٢٨٠
٤٩ــ بیت عبود	" "	٢٨٨
٥٠ــ مرقد حضرت ورقه مبارکه علیا	" "	٢٨٨
٥١ــ نقشه ده ساله ترسیمی هیکل مبارك	" "	٢٩٢
٥٢ــ ام المعابد افریقا	مقابل صفحه	٢٩٤
٥٣ــ ام المعابد امریکا	" "	٢٩٤
٥٤ــ ام المعابد استرالیا	" "	٢٩٨
٥٥ــ ماکت مشرق الاذکار آلمان	" "	٢٩٨
٥٦ــ انجمن شور روحانی جوانان قسمت امری طهران پشت جلد شماره		١١
٥٧ــ پرفسور فور ل	مقابل صفحه	٣٥٢
٥٨ــ ام المعابد افریقا	صفحه	٣٥٥
٥٩ــ ایادی امرالله حضرت امة البهاء در افریقا	مقابل صفحه	٣٥٨
٦٠ــ شرکت کنندگان ایرانی جشن افتتاح مشرق الاذکار افریقا	مقابل صفحه	٣٥٨
٦١ــ آقای سیروس نراقی	صفحه	٣٦٧
٦٢ــ منظره ای از شهر حیفا	پشت جلد شماره	١٢
٦٣ــ اولین مجمع جوانان بهائی پرو	مقابل صفحه	٣٨٢
٦٤ــ لجنه جوانان گامبیا	مقابل صفحه	٣٨٢